

مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی (انتوگرافی انتقادی بازار مرزی بانه)

حمیدرضا جلابی پور^۱

بهمن باینگانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۸

چکیده

در این مقاله، پیامدهای اقتصادی ظهور و گسترش بازارهای مرزی از منظر درک، تفسیر و تجربه مردم بررسی می‌شود. واقعیت آن است که بازارهای مرزی مناطق کردنشین ایران، بعد از تحولات عراق در یک دهه اخیر رونق و شکوفایی زیادی پیدا کرده‌اند. از این رو، مطالعه پیامدهای ظهور و گسترش این نوع بازارها، از دیدگاه جامعه‌شناختی حائز اهمیت بسیار است. با توجه به هدف مذکور، در بخش نظری مطالعه حاضر، از دیدگاه انتقادی نظریه‌پردازانی مانند بوردیو، زیمل، پولانی و سندل استفاده شده و در بخش روشی نیز متناسب با پارادایم انتقادی، انتوگرافی انتقادی به کار رفته است. جامعه مورد مطالعه بازار مرزی بانه است. در این مطالعه، با استفاده از نمونه‌گیری نظری و روش‌های مصاحبه، گفت‌وگو، فوکوس گروه و تحلیل اسنادی، اطلاعات تحقیق جمع‌آوری شد. یافته‌ها نیز به روش کدگذاری باز و محوری تحلیل شدند و در دو سطح توصیفی و تحلیلی ارائه شدند. در سطح توصیفی، ارائه یافته‌ها در دو مقوله محوری تاریخ تجارت و بازار مرزی در بانه و نیز رشد و گسترش فضاهای تجاری و مصرفی صورت گرفت. نتایج نشان داد از نظر پاسخگویان، مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی عبارت‌اند از خدماتی شدن جامعه، افزایش مهاجرپذیری، هم‌مونیک شدن پول، تضعیف شیوه‌های تولید سنتی، تضعیف طبقه متوسط، پیدایش قشر تاجر سرمایه‌دار نوظهور، افزایش فاصله اقتصادی و کالایی شدن فضا. در پایان مقاله، ارتباط یافته‌های پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین و مبانی نظری تحلیل می‌شود.

واژه‌های کلیدی: انتوگرافی انتقادی، بازار مرزی بانه، بازار و تجارت مرزی، پیامدهای اقتصادی، مناطق کردنشین، نئولیبرالیسم.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، jalaeipour@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان (نویسنده مسئول)،

مقدمه

آخرین فرم اقتصادی- سیاسی سرمایه‌داری در جهان معاصر، نئولیبرالیسم است. این شکل از سرمایه‌داری، درصدد تحمیل بازار واحدی است که در آن، همه در هر جای جهان که باشند، محصول یکسانی را مصرف و مانند دیگر شهروندان دنیا عمل می‌کنند (هاروی، ۱۳۹۱؛ دوپال ۲۰۱۰). این اندیشه از دهه ۱۹۹۰ به بعد به‌گونه‌ای در سراسر دنیا گسترش یافته و طبیعی شده است که گویی جایگزینی برای بازار وجود ندارد (بورديو، ۱۳۸۷: ۸۳). اگرچه نئولیبرالیسم، بسته به شرایط زمانی- مکانی ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد، در همه اشکال آن، بازار جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری‌که بازار جهانی به‌عنوان یک حیطة متمایز و دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد به رسمیت شناخته می‌شود (اسمیت، ۱۳۹۱: ۷۸). این شکل از سرمایه‌داری نیز مانند سایر فرم‌های پیشین، از قانون سرمایه تبعیت می‌کند و به‌دنبال گسترش و صدور به مناطق جدید، برای به‌دست آوردن بیشترین سود و تصرف آن دسته از فضاهاى اجتماعى، نهادى و فرهنگى است که تا چند دهه پیش این پدیده به آنجا نرسیده بود (نیکیتین، ۱۳۸۷: ۲۱۶-۲۱۷).

یکی از آخرین سنگ‌های فتح‌شده از سوی این فرم، سرمایه‌داری کشور عراق است. پس از آنکه دست‌اندرکاران نهضت تهاجمی بازار آزاد، آمریکای لاتین، آفریقا، اروپای شرقی و آسیا را فتح کردند، نوبت به دنیای عرب، یعنی آخرین سرحد فتوحات رسید و در اینجا عراق مناسب‌ترین کشوری بود که قابلیت آن را داشت که الگویی برای کشورهای منطقه فراهم کند. براساس اندیشه‌های نئولیبرالی، از آنجاکه اقتصاد بازار، یک نظام علمی کامل است، تنها راه واقعی توسعه عراق و کشورهای عربی اقتصاد بازار است (کلاین، ۱۳۸۹؛ جونز، ۱۳۹۱). از میان مناطق مختلف عراق نیز اقلیم کردستان، از سوی خارجی‌ها به‌عنوان یکی از مناطق مهم و امن سرمایه‌گذاری در منطقه شناخته شد. از طرفی پس از سقوط صدام‌حسین، حکومت اقلیم اشتیاق و علاقه جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرد؛ به‌طوری‌که علی‌رغم رکود اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری خارجی به‌تدریج به منطقه اقلیم سرازیر شد و کردستان عراق سرمایه‌گذارانی از همه نقاط دنیا از جمله اروپا، آسیا و آمریکای شمالی به خود جذب کرد (تار، ۲۰۰۹: ۲۱۰). تأثیرات این وضعیت در عراق و به‌ویژه کردستان عراق، به‌دلیل ارتباطی که میان کردهای ساکن در کشورهای همسایه بعد از پیدایش دولت- ملت مدرن وجود داشته است، به مناطق کردنشین ایران نیز سرایت کرد. در مناطق مرزی بیش از هر جای دیگری می‌توان پیامدهای این وضعیت را مشاهده کرد. در نتیجه، بازارهای مرزی در تقابل با بازارهای سنتی از رونق زیادی برخوردار شدند. درواقع،

اگرچه پیش از یک دهه قبل از رویدادهای کشور عراق، دولت ایران با تأثیرپذیری از سیاست‌های دولت رفاه، تجارت مرزی را سامان‌دهی کرده بود، پس از حمله آمریکا به عراق و زمینه‌سازی برای ورود این کشور به بازارهای جهانی، مناطق کردنشین ایران هم از این مسئله تأثیر پذیرفتند و بازارهای مرزی رونق مضاعفی یافتند.

طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که در دهه‌های اخیر در مناطق کردنشین ایران شاهد آن بوده‌ایم، ظهور و رونق بازارهای مرزی است. با توجه به این گفته فرناند برودل که «هیچ شهری بدون بازار نیست و هیچ بازاری بدون شهر وجود ندارد» (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۲۵)، از روزگاران گذشته بازار در مناطق کردنشین نیز وجود داشته است. این بازارها به‌عنوان پدیده‌های اقتصادی، همواره دارای ویژگی‌های فرهنگی خاص و کنش‌ها و مناسبات اجتماعی متعدد بوده‌اند. وظیفه مهم این بازارها در جامعه سنتی کردستان، علاوه بر برآورده کردن نیازهای مردم، آن چیزی بود که لیندبلوم «هماهنگ‌کننده گول‌آسا از طریق همسازی متقابل» نامید (لیندبلوم، ۱۳۸۸: ۳۹). به‌عبارت دیگر، بازارهای سنتی مناطق کردنشین، مانند همه بازارهای سنتی دیگر تابعی از نظم اجتماعی بودند و به شکلی اندام‌وار در جامعه و محیط‌زیست حک شده بودند. در جامعه سنتی کردستان نیز آن‌گونه که پولانی (۱۳۹۱) می‌گوید، بازار نه سپهری مجزا از سایر پدیده‌ها، بلکه بخشی از یک کلیت منسجم بود (پولانی، ۱۳۹۱: ۱۵۸)، اما به‌نظر می‌رسد که رواج و گسترش بازارهای مرزی در مناطق کردنشین، به‌ویژه بعد از تحولات عراق، این پیوستگی را از بین برده و نوعی تغییر اتفاق افتاده است؛ تغییری که در نتیجه آن «بازار خودتنظیم‌گر و با هدف دستیابی به حداکثر ثروت، مبنای حیات اجتماعی و جایگزین نوع سنتی بازاری شده است که نهادی درونی‌شده در اجتماع بود» (بهرامی تاش، ۱۳۸۹: ۳۲). از آنجاکه بازار در وهله اول پدیده‌ای اقتصادی است (جکسون، ۲۰۰۹) و همان‌طور که برودل (۱۳۸۸) گفته است تاریخ اقتصاد از آغاز تا هر پایان ممکن تاریخ بازار است، نخستین تغییر مهم ناشی از ظهور این بازارهای جدید در منطقه، تغییر در صورت‌بندی اقتصادی است. به بیان دیگر، به‌واسطه این بازارهای مرزی، نوع جدیدی از اقتصاد به‌وجود آمده که با اقتصاد سنتی و اقتصاد دولتی گذشته تفاوت دارد. این اقتصاد نوعی اقتصاد مبادله‌ای پولی است که بر بازار و مصرف انبوه کالاها متمرکز است. براین‌اساس، هدف غایی مطالعه حاضر بررسی پیامدهای اقتصادی بازارهای مرزی و تغییرات صورت‌گرفته در صورت‌بندی اقتصادی جامعه از منظر تجربه، درک و تفسیر مردم است.

مبانی نظری

نظریه‌ها در تحقیق به صورت‌های مختلفی ممکن است به کار گرفته شوند. نظریه ممکن است منبعی برای زبان تئوریک یا مفاهیم خاص، یا منبع ایده‌های کلی نظری یا فرضیه‌های خاص باشد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۴۵)، اما در مقاله حاضر، نظریه برای ما دیدگاهی را فراهم می‌آورد و پرسش‌های پژوهش را شکل می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۱؛ کرسول، ۱۳۹۱). با این توضیح درباره کاربرد نظریه، باید گفت که در این تحقیق محور اصلی، مبانی نظری با رویکرد صورت‌بندی اجتماعی است که در دهه‌های اخیر، بیش از همه توسط استوارت هال (۱۳۸۶) به کار رفته است. از آنجا که ما در اینجا بیشتر با فرایند اقتصادی صورت‌بندی اجتماعی سروکار داریم، بیشتر بر این بعد از صورت‌بندی متمرکز می‌شویم. مهم‌ترین وجه صورت‌بندی اقتصادی به گفته استوارت هال، سرمایه‌داری است (هال، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸). سرمایه‌داری یک شکل خاص اجتماعی و ثمره یک گسست چشمگیر تاریخی است که چپستی و چگونگی عملکرد آن، موضوع بحث بسیاری از متفکران بوده است. در عین حال، بر سر زمان دقیق این گسست اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای مانند والرش‌تاین، برودل و هارمن معتقدند که ظهور سرمایه‌داری و اشکال متفاوت آن، به فاصله سال‌های ۱۴۵۰ تا ۱۶۴۰ برمی‌گردد؛ یعنی زمانی که در آن، تسلط سیاسی جای خود را به تسلط اقتصادی می‌دهد (والرش‌تاین، ۱۳۸۴؛ برودل، ۱۳۸۸؛ هارمن، ۱۳۹۱) و عده دیگر نیز مانند مک یوگن و مندل، ظهور آن را به قرن هیجدهم نسبت می‌دهند (مک‌یوگن^۱، ۲۰۰۶: مندل، ۱۳۸۶).

از همان بدو پیدایش سرمایه‌داری، منتقدان بسیاری توجه خود را به مشکلات اقتصادی آن نظیر تورم و رکود، فقر و بیکاری، اتلاف و ناکارآمدی و نابسامانی کلی تولید معطوف کردند؛ برای مثال، مارکس عمر سرمایه‌داری را بیشتر از پنجاه سال نمی‌دانست. حتی طرفداران سرمایه‌داری نیز به دلیل افت‌وخیز ناخوشایند نظام، در مورد پیش‌بینی‌ناپذیری و ناپایداری آن هشدار داده‌اند و فروپاشی هر لحظه آن را محتمل دانسته‌اند (بلومبرگ، ۱۳۹۰: ۱۹۵)، اما سرمایه‌داری، با ترفند تغییر نام در عرصه‌های مختلف (بارت، ۱۳۸۰؛ استنفورد، ۱۳۹۲) امروزه همچنان پایدار است و در طول تاریخ پرفراز و نشیب‌اش فرم‌های مختلفی را تغییر داده است که نتولیرالیسم، آخرین آن‌ها و در حقیقت، «لغافه هوشمندانه و مدرن کهن‌ترین اندیشه‌های سرمایه‌داران قدیم است» (بورديو، ۱۳۸۷: ۸۳). در نتولیرالیسم، بازار جایگاه ویژه‌ای دارد و بازار جهانی به عنوان یک حیطه متمایز و دارای خصوصیات خود به رسمیت شناخته می‌شود (اسمیت، ۱۳۹۱: ۷۸). در مقابل تأکید مشتاقانه

نئولیبرالیست‌ها بر بازار، منتقدان بی‌شماری وجود دارند که بازار و بازاری‌شدن، عرصه‌های زندگی را نقد می‌کنند (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶) که در ادامه آرا و دیدگاه‌های برخی از مهم‌ترین آن‌ها، براساس دوره‌ی زمانی زندگی‌شان بررسی می‌شود. متفکرانی که در این پژوهش دیدگاه‌هایشان به‌طور اجمالی بررسی می‌شود، با وجود تفاوت‌های مهم، بر سر یک چیز توافق دارند و آن، انتقاد از بازار مدرن ناشی از سرمایه‌داری و فرم‌های مختلف آن یعنی لیبرالیسم و نئولیبرالیسم است.

زیمِل: آنچه برای زیمِل در مورد بازار اهمیت خاصی دارد، نقش پول و اهمیت آن در بازار است. بازاری‌شدن چشمگیر امور مختلف، با گسترش جریان پولی‌شدن ارتباط دارد. به اعتقاد زیمِل، پولی‌شدن با دو تحول حاد پیوند خورده که هر دو به یک اندازه، جزئی جدایی‌ناپذیر از جامعه‌ی بازار هستند. این دو تحول عبارت‌اند از: ۱. فردی و غیرشخصی‌شدن و ۲. افزایش حسابداری و کمی‌سازی (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶).

زیمِل غیرشخصی‌شدن را در کانون مزایا و مشکلات جامعه‌ی مدرن قرار می‌دهد. به اعتقاد وی نهادی‌شدن اقتصاد پولی، فردی‌شدن جامعه را تشدید می‌کند؛ زیرا اجازه می‌دهد حلقه‌های اجتماعی گسترش یابند و افرادی که فقط علاقه‌ی تجاری مشترک دارند، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (فریزی، ۱۳۸۶؛ واندنبرگ، ۱۳۸۶؛ جوهانسن^۱، ۲۰۰۰). از نظر زیمِل (۱۳۸۶: ۳۲۷)، «پول به دلیل داشتن ابعاد غیرشخصی و بی‌رنگ، جایگزین چیزهای بسیاری شده است که در حال افزایش‌اند و نیز خدمات بی‌شماری را انجام داده است. این امر باعث آن شده است که افراد و گروه‌هایی به وجود آیند که به‌جز این فعالیت‌ها، در سایر جنبه‌ها اعتقاد تام به جدایی از یکدیگر دارند؛ بنابراین، خط رابطی میان عناصری از زندگی کشیده شده است که ارتباطی با هم ندارند».

از طرفی از دیدگاه وی این ارتباط زیاد، روابط را سطحی می‌کند، بیگانگی از دیگران را افزایش می‌دهد و فردیت را تشدید می‌کند. به سخن او، «شخص در دوره‌های اقتصادی اولیه به عده‌ی بسیار قلیلی وابستگی دوجانبه داشت، اما این عده‌ی قلیل، از نظر فردی بسیار شاخص و تعیین‌کننده بودند. امروزه ما به مراتب بیشتر به عرضه‌کنندگان وابسته‌ایم، اما اغلب و بسته به میل، افرادی را که با آن‌ها مراوده می‌کنیم، عوض می‌کنیم. ما بسیار بیشتر از قدیمی‌ها از عرضه‌کنندگان خاص مستقل هستیم. به‌راستی همین نوع روابط است که فردگرایی قدرتمندی به‌وجود می‌آورد؛ زیرا آنچه مردم را از یکدیگر بیگانه می‌سازد و آنان را وادار می‌کند فقط به خود متکی باشند، جدایی و انزوا از دیگران

نیست؛ بلکه گمنامی دیگران و بی‌اعتنایی به فردیت آنان است؛ یعنی داشتن رابطه‌ای با مردم بدون توجه به اینکه در هر مورد خاص چه کسانی هستند» (همان: ۳۲۹).

غیرشخصی‌شدن مبادلات پولی درعین حال، با مفهوم آزادی رسمی و کالایی‌شدن گره خورده است. این جنبه از بازاری‌شدن به معنای آن است که مردم هر چیزی که پول خریدنش را داشته باشند، می‌توانند بخرند. یکی از پیامدهای این وضعیت، نابسامانی و درهم‌ریختگی منزلتی است. در این وضعیت است که تازه به‌دوران رسیده‌ها ظهور می‌کنند؛ یعنی کسانی که فقط به‌خاطر موفقیت در بازار و پول درآوردن می‌توانند منزلت‌های بالا مثل لباس، زمین، آثار هنری و سبک زندگی را خریداری کنند بدون آنکه از نزاکت ذاتی برخوردار باشند (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۵۲-۵۳).

دومین تحولی که از فرایند پولی‌شدن ناشی می‌شود، حاکم‌شدن کامل محاسبات عقلی و کمی بر مبادلات است؛ به‌طوری‌که به اعتقاد زیمل، استفاده از پول سبب می‌شود که انسان مدرن روزبه‌روز عقلانی‌تر و حسابگرتر شود و مرزبندی‌های دقیق‌تر و باریک‌تری در زندگی مردم به‌وجود بیاید. وی در این زمینه می‌گوید: «اقتصاد پولی، ضرورت عملیات مستمر ریاضی را در زندگی روزمره باعث می‌شود. زندگی بسیاری از مردم، با تعیین و توزین و محاسبه‌کردن و فروکاستن ارزش‌های کیفی به ارزش‌های کمی می‌گذرد. این امر یقیناً به سرشت عقلانی و محاسبه‌گر ایام جدید کمک می‌کند که در قیاس با آن ایام قدیمی‌تر، بیشتر غیرارادی و کل‌گرا و غیرعاطفی بودند؛ بنابراین، از رهگذر ارزش‌گذاری پولی، مرزبندی‌های دقیق‌تر و باریک‌تری در زندگی مردم به‌وجود می‌آید و به مردم می‌آموزد که هر ارزشی را تا دینار آخر معین و مشخص سازند» (زیمل، ۱۳۸۶: ۳۳۵-۳۳۶).

به‌طورکلی زیمل معتقد است که بازار مدرن، با زمینه‌سازی برای گسترش جریان پولی‌شدن، موجب فردیت و کمی‌گرایی می‌شود. اهمیت پول به اعتقاد زیمل در جامعه‌های تجاری سرمایه‌دار آن‌قدر زیاد می‌شود که خود فی‌نفسه به یک هدف تبدیل می‌شود (واندنبیگ، ۱۳۸۶، جوهانسن، ۲۰۰۰).

کارل پولانی: هدف اصلی پولانی، فهم علل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جنگ جهانی اول، رکود اقتصادی بزرگ ۱۹۳۰ و ظهور فاشیسم در اروپا بود. وی در مطالعه‌ای بینارشته‌ای که در اثرش دگرگونی بزرگ منتشر کرد، ریشه این رویدادهای مهم را در تلاش اقتصاد لیبرالیسم برای ایجاد یک نظام بازار خودتنظیم‌گر اعلام کرد. او در این کتاب نشان می‌دهد که ایجاد چنین نظامی غیرممکن

است (کاستلز^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۶). به اعتقاد پولانی، بازارها در همه فرماسیون‌های اجتماعی وجود داشته‌اند، اما تولید کالایی تا زمان آنچه پولانی نظام بازار یا اقتصاد بازار می‌نامد، هرگز شکل مسلط نبوده است. استدلال پولانی آن است که پیش از نظام بازار خودتنظیم‌گر سرمایه‌دارانه، فعالیت اقتصادی به شیوه‌ای اندام‌وار در جامعه و محیط‌زیست حک شده بود. فعالیت اقتصادی، نه سپهر مجزایی از فعالیت‌ها و با قوانین خاص، بلکه بخشی از یک کلیت منسجم بود، اما شکل‌گیری سرمایه‌داری به مدد تأسیس عامدانه نهادهای اقتصادی مجزا از جامعه با منطبق و قوانین خاص خودشان، موجب گسیختگی در همین واحد منسجم اندام‌وار شد و سپهر اقتصادی را از جامعه و محیط‌زیست فک کرد (دوین، ۱۳۹۱: ۳). مهم‌ترین پیامدهای این فک‌شدگی به نظر پولانی این است که سه عامل اصلی تولید یعنی کار، زمین و پول به کالا تبدیل می‌شوند. در ابتدا کار به کالایی تبدیل و در بازار خریدوفروش می‌شود. زمین نیز به کالا تبدیل می‌شود و مخاطراتی جدی برای محیط‌زیست و کشاورزی به وجود می‌آید. در نتیجه، ارزش مصرفی زمین از بین می‌رود، کالایی‌سازی پول اتفاق می‌افتد و در نتیجه بی‌اطمینانی، فرایند مبادله به خطر می‌افتد (بوراوی، ۱۳۹۳: ۶۷).

اگرچه نظریه پولانی بیشتر درباره نظام اقتصادی لیبرالیسم است، می‌توان گفت که بازار خودتنظیم‌گر نئولیبرال امروزی، همان اقتصاد لیبرال لسه‌فر است که به شکل توسعه‌یافته‌تری بعد از دهه ۱۹۷۰ ارائه شده است (چاپینت و می^۲، ۲۰۱۰: ۱۰۷). از این‌رو، منفک‌شدن اقتصاد و بازار به شیوه‌ای دیگر در جهان معاصر وجود دارد و پیامدهایی نیز که پولانی پیش‌بینی کرده است، همچنان مشاهده می‌شود.

بورديو: از میان جامعه‌شناسان مهم اروپایی، پی‌یر بورديو بیش از همه به نوشتن درباره اقتصاد علاقه نشان داده است (سوئدبرگ، ۱۳۹۱: ۶۸) و بیشتر آثار وی را می‌توان نوعی حمله به سرمایه‌داری قرن بیستم دانست (گرنفل، ۲۰۰۴: ۱۱۳). بورديو روح سرمایه‌داری متأخر را در نئولیبرالیسم می‌داند. از این‌رو، دهه آخر قرن بیستم را بیش‌ازپیش صرف شناخت و پیامدهای نئولیبرالیسم کرد و آن را گفتمان غالب سرمایه‌داری معاصر معرفی کرد. بورديو در *مبادله آزاد*^۳، درباره *تلویزیون، اعمال مقاومت*^۴ و دیگر آثارش، بارها به تهدیدهای نئولیبرالیسم اشاره می‌کند. از نظر بورديو، بعد از پیروزی سرمایه‌داری در نتیجه فروپاشی شوروی، تهدید خاص سرمایه‌داری

1. Castels
2. Chaipint & May
3. Free Exchange
4. Acts of Resistance

کنونی آن است که بحث دربارهٔ بدیل‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را کنار گذاشته است؛ به طوری که ایدئولوژی مصرف‌گرایی لیبرال- که با سرمایه‌داری متأخر همراه است- خود را نوعی نظم طبیعی و غیرتاریخی به حساب می‌آورد (بورديو، ۱۳۸۹: ۱۹۱). وی بیش از همه در اعمال مقاومت، از نئولیبرالیسم انتقاد می‌کند و مهم‌ترین توان آن را در ایدئولوژی نوداروینیسیم اجتماعی‌ای می‌داند که براساس آن، «درخشان‌ترین و بهترین» آن است که سرآمد شود (بورديو، ۱۳۸۷: ۹۱). مهم‌ترین عنصر نئولیبرالیسم از نظر بورديو بازار است. او در یک تقسیم‌بندی، دو نوع اقتصاد و بازار را از هم متمایز می‌سازد:

۱. اقتصاد عمومی جوامع باستانی، پیشامدرن یا «غیربازاری» که در آن منطق عملی غالب است و اقتصاد به معنای دقیق کلمه «از نظر اجتماعی تحت کنترل» است. شکل سرمایه در اینجا بیشتر شرافت و صداقت^۱ است. انباشت شرف به دلیل وابستگی آن به نشانه‌اش^۲ محدود است و شرایط تبدیل آن به سرمایه اقتصادی نیز به شدت محدود است؛

۲. بازار سرمایه‌داری که در آن، شکل غالب سرمایه، کالاهای مادی یا پول است و انباشت آن نیز در عمل نامحدود است. از آنجاکه این انباشت در شکل محاسبه‌ای یا ابزاری‌اش در خدمت عقلانیت قرار می‌گیرد، علاقهٔ جمعی به انباشت آن آشکارا بیان می‌شود (گیلری^۳، ۲۰۰۰: ۳۲).

تفاوت اصلی جامعهٔ مدرن با جامعهٔ سنتی نیز از نظر بورديو در وجود همین دو بازار است؛ به طوری که در جامعهٔ سنتی، بازار نوع اول و در جامعهٔ مدرن بازار نوع دوم غالب است. به عبارت دیگر، در جوامع سنتی به طور کلی تولید و مبادلهٔ کالاها فعالیت‌هایی اجتماعی هستند. مبادله‌ها- که غیرپولی هستند- به منظور حفظ پیوندهای اجتماعی و در شکل بخشش‌های رایگانی انجام می‌شوند که در مقابل انتظار بر آن است که تلافی شوند (البته نه همیشه بلافاصله و توسط همان فرد). در اینجا جنبهٔ فایده‌گرایانهٔ معامله در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارد. بررسی‌های بورديو نشان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی کابیلی‌ها نوعی اقتصاد از نوع اول، یعنی عمومی و پیشاسرمایه‌داری است که در آن، اخلاق صداقت و شرافت، در برابر اخلاق بازار، حسابگری یا حتی حيله‌گری شیطانی قرار می‌گیرد (لش، ۱۳۸۳؛ لش، ۱۹۹۳؛ بوون ویتز، ۱۳۹۰). این بازار مدرن، از نظر بورديو، به عنوان بخشی از میدان اقتصاد دارای قواعد و مقررات خاص خود است؛ به طوری که در این میدان، همه چیز به منفعت مالی فروکاسته می‌شود (بورديو، ۱۳۸۱: ۲۱۳). علاوه بر این، بورديو معتقد است که

1. Honor
2. Embodiment
3. Guillory

در چند دهه اخیر، بازار چنان اهمیتی یافته که از دولت- ملت قدرت بیشتری پیدا کرده است (رید- داناها^۱، ۲۰۰۵: ۱۴۹).

مایکل سندل: سندل در نقد لیبرالیسم، بر بازار متمرکز شده و معتقد است که بازار و تجارت بنیان‌های اخلاقی را تضعیف می‌کند (فورکاد و هیلی^۲، ۲۰۰۷: ۲). مهم‌ترین کتابی که وی در آن به نقد بازار و تجارت در جهان معاصر می‌پردازد، *آنچه با پول نمی‌توان خرید: مرزهای اخلاقی بازار* است. این کتاب، بازتاب حوادثی مانند بحران اقتصادی ۲۰۰۸ و بحران حوزه یورو است که ثبات و مطلوبیت بازار را از دیدگاه نئولیبرال‌ها به‌عنوان مناسب‌ترین راه برای تنظیم تعامل‌های انسانی به چالش می‌کشد (چوت^۳، ۲۰۱۳). سندل در این کتاب ادعا می‌کند که ما در روزگاری به سر می‌بریم که بازارها و ارزش‌های بازاری، به‌طور بی‌سابقه‌ای بر زندگی مسلط شده‌اند و منطق خرید و فروش امروزه نه فقط بر کالاهای مادی بلکه بر کل زندگی ما حاکم شده است. به اعتقاد سندل، مهلک‌ترین تحولی که در سه دهه گذشته اتفاق افتاده است، افزایش طمع نیست؛ بلکه گسترش بازار و سرایت ارزش‌های بازاری به حوزه‌هایی از زندگی است که سنخیتی با آن‌ها نداشته است (سندل، ۱۳۹۳: ۳-۴). این امر از نظر وی سبب شده است که در چند دهه اخیر، نه تنها فاصله بین فقیر و غنی بیشتر شود، بلکه کالایی‌شدن همه چیز به پول اهمیت بیشتری ببخشد و نیش نابرابری را گزنده‌تر سازد. سندل در مقابل اقتصاددانان استدلال می‌کند که ارزش‌های بازار، ارزش‌های دیگر را از میدان به در کرده است. به نظر وی، اگر چیزهای خوب زندگی ما صورت کالا پیدا کنند، فاسد می‌شوند و ارزش خود را از دست می‌دهند (سندل، ۱۳۹۳: ۶-۷). این مسئله به اعتقاد او در مجموع سبب شده است که در چند دهه اخیر، از داشتن اقتصاد بازار، به بازاری بودن برسیم. وی فرق این دو را در آن می‌داند که در اولی، بازار ابزاری برای سامان‌دهی فعالیت‌های تولیدی است و در دومی، جامعه بازاری یک شیوه زندگی است که در آن، ارزش‌های بازار در همه جنبه‌های زندگی انسان رخنه کرده‌اند (سندل، ۱۳۹۳: ۶-۷). در نهایت، راه‌حل سندل آن است که باید در نقش و نفوذ بازار در امور اجتماعی ما، روابط انسانی و زندگی روزانه تجدیدنظر و بازاندیشی شود (سندل، ۱۳۹۳: ۱۲).

در مجموع دیدگاه‌های بورديو، پولانی، زیمل و سندل، آن‌ها را در پارادایم منتقدان اقتصادی سرمایه‌داری و فرم‌های مختلف آن قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که همگی معتقدند نئولیبرالیسم و بازار آزاد به هرکجا پا می‌نهند، آثاری تخریب‌گر برای جامعه به بار می‌آورند (فورکاد و هیلی، ۲۰۰۷).

ادبیات پژوهش

در روش‌های کیفی، همواره بخشی از تحقیق به مرور ادبیات می‌پردازد. ادبیات موجود را هم می‌توان مبنایی برای استدلال‌ها و هم نشانگر نحوه تطابق یافته‌های تحقیق با پژوهش‌های پیشین دانست (فلیک، ۱۳۸۷). ادبیات موجود نیز در این نوشتار در دو بخش ارائه می‌شود. در بخش اول به بررسی مطالعات داخلی و در بخش دوم نیز به مرور پژوهش‌های خارجی پرداخته می‌شود.

مطالعات داخلی

اسماعیل‌زاده (۱۳۸۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود درباره روستاهای مرزنشین شهرستان سردشت به این نتیجه رسید که فعالیت‌های بازارچه‌های مرزی سبب ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم مرزنشینان، افزایش درآمد آن‌ها و کاستن از اقتصاد غیررسمی شده است. از سوی دیگر، وجود بازارچه‌ها از خیل مهاجرت عظیم روستاییان به شهر نکاسته و نقش زیادی در تأمین نیازهای ساکنان مناطق مرزی نداشته است و کارکرد چندساله آن‌ها با اهداف اولیه هماهنگ نیست.

زرقانی و همکاران (۱۳۹۱) آثار اقتصادی-سیاسی بازارچه مرزی باشماق را بر مناطق مرزی اطراف بازارچه ارزیابی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که بازارچه مرزی باشماق، آثار اقتصادی-سیاسی مثبتی مانند ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها، افزایش اشتغال، کاهش قاچاق و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین استان‌های کردنشین دو سوی مرز به همراه داشته است.

محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی ارزیابی آثار اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین بازارچه و آثار اقتصادی از جمله افزایش اشتغال، کاهش فقر، افزایش درآمد و کاهش تمایل مهاجرت ساکنان مناطق مرزی به مناطق دیگر، رابطه معنادار وجود دارد.

امانپور و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای نظری-کاربردی به بررسی و تحلیل آثار بازارچه‌های مرزی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی شهر جوانرود در استان کرمانشاه پرداختند. مطابق یافته‌ها، درصد بیکاری در شهر جوانرود پیش از راه‌اندازی بازارچه مرزی بالا بوده است، اما پس از ایجاد بازارچه مرزی، بسیاری از جوانان بیکار به کار مشغول شده‌اند و به تبع آن، اقتصاد شهر در وضعیت بهتری قرار گرفته است.

رضایی و همکاران (۱۳۹۱) نقش بازارچه‌های مرزی را در اشتغال و توسعه اقتصادی شهرستان بانه تحلیل کردند. نتایج نشانگر آن بود که فعالیت بازارچه‌های مرزی، هم سبب ایجاد اشتغال

مستقیم و غیرمستقیم و نیز تحرک شغلی مرزنیسان و هم با افزایش درآمد مرزنیسان موجب توسعه نسبی اقتصادی در مناطق شده است. درمقابل رفیعان و احمدی (۱۳۹۱) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بین حجم فعالیت‌های اقتصادی شهر بانه و توسعه کالبدی فضایی و زیرساختی آن تناسبی برقرار نیست.

حاجی‌نژاد و احمدی (۱۳۸۹) به بررسی تأثیرات اقتصادی گردشگری تجاری بر شهر بانه پرداختند. براساس یافته‌ها، فعالیت و اشتغال ناشی از گردشگری تجاری در غیاب بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی، آثار اقتصادی زیادی بر شهر بانه داشته و سبب افزایش درآمد و اشتغال و قیمت زمین شده است.

مطالعات خارجی

رانکین^۱ (۲۰۰۴) در سیاست‌های فرهنگی بازار: آزادسازی اقتصادی و دگرگونی اجتماعی در نپال نئولیبرالیسم را به شدت نقد کرد و با مطالعه دهستان سنکھو^۲ در بخش باگماتی^۳ کاتماندوی نپال نشان داد که چگونه روندهای کلان اقتصادی موجب نابرابری می‌شوند و الگوهای جدید کالایی شدن و بازارهای نیروی کار جدید را به وجود می‌آورند.

سیکدر و سرکار^۴ (۲۰۰۵) به بررسی شیوه معیشت و تجارت غیررسمی در مرزهای بنگلادش پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد اگرچه تجارت غیررسمی در مرزها غیرقانونی است، نقش مهمی در تأمین معیشت فقرا ایفا می‌کند و از آنجاکه دولت از تأمین نیازهای فقرا ناتوان است، آن‌ها به تجارت مرزی غیررسمی روی آورده‌اند.

والتر^۵ (۲۰۰۹) در مطالعه بازارچه‌های مرزی گایا (نیجر)، ملانویل (بنین) و کامبا (نیجریه) ایده سیالیت فضا را بررسی کرد. مطابق نتایج، تجارت مرزی از تقسیمات استعماری فراتر می‌رود؛ تاحدی که مرزهای جغرافیایی قابلیت آن را ندارد که پویایی اقتصادی کنونی را محدود کند و در نتیجه یکی از علل سیالیت فضا است.

به‌طورکلی، مطالعات تجربی پیشین داخلی و خارجی، علی‌رغم برخی ایرادها به‌ویژه در مورد تحقیقات داخلی مانند کمی‌گرایی، غیرتاریخی بودن و... دربرگیرنده ایده‌های نظری و تجربی

1. Rankin
2. Sankhu
3. Bagmati
4. Sarkar & Sikder
5. Walther

ارزشمندی است که در مطالعه حاضر قابل استفاده‌اند و زمینه‌ای برای مقایسه و تطبیق فراهم می‌آورند؛ بنابراین، در این تحقیق، از ویژگی‌های مثبت این تحقیقات استفاده شده و از جنبه‌های منفی آن‌ها اجتناب شده است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، از آنجاکه هدف بررسی چگونگی تأثیر ساختارهای کلان بر فرایندهای خرد است، باید از روشی استفاده کرد که درعین حال که پوزیتیویستی نیست، تفسیری مطلق هم نباشد. براین اساس و با توجه به مسئله تناسب روش و پارادایم نظری، از میان روش‌های کیفی مختلف، روش کیفی اتنوگرافی انتقادی تناسب بیشتری دارد؛ زیرا این روش هنگامی کاربرد دارد که مبانی نظری پژوهش متعدد و برمبنای نظریه‌هایی مانند مارکسیسم فرهنگی، نظریه انتقادی، تئوری پراکسیس، مطالعات فرهنگی، مطالعات فمینیستی، معرفت‌شناسی هم‌جنس‌خواهی و نژادی و نقد پسامدرن از جوامع کاپیتالیستی پیشرفته باشد (کارسپکن^۱، ۱۹۹۶، کینچلو و مک‌لارن^۲، ۲۰۰۰، جاپ^۳، ۲۰۰۶). اتنوگرافی انتقادی یا آنچه را دنزین (۲۰۰۱) «اتنوگرافی جدید» و کارسپکن (۱۹۹۶) «روش کیفی انتقادی» می‌نامد، می‌توان «مطالعات قوم‌نگارانه‌ای دانست که از طریق بررسی مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کلان به نقد فرهنگی می‌پردازد و بر سرکوب، تضاد، مناقشه، قدرت و پراکتیس متمرکز می‌شود» (شوانت، ۱۹۹۷: ۲۲).

اعتبارسنجی تحقیق: در اتنوگرافی انتقادی، اگرچه معیارهای اعتبار گوبا و لینکن در تحقیقات کیفی، برای ارزیابی انسجام و اثبات قابلیت اعتماد مورد قبول است، به‌گونه متفاوتی از آن‌ها به‌کار می‌رود و مباحثات منطقی دیگری را به آن نسبت می‌دهند؛ برای مثال کارسپکن معتقد است که به‌جای باورپذیری باید از زاویه‌بندی استفاده کرد. همچنین وی به‌جای اطمینان‌پذیری، از کنترل عضو یا اعتبار پاسخگو استفاده می‌کند و به‌جای تأییدپذیری مفهوم نیز اعتبار بازانديشی را به‌کار می‌برد (هاردکسل و دیگران، ۲۰۰۶، گیفن، ۲۰۰۸). بر همین اساس، در پژوهش حاضر اعتبار زاویه‌بندی بدین صورت به‌دست آمد که سؤال‌های تحقیق در زمان‌ها و شرایط مختلف از افراد مورد مطالعه مطرح شد و سپس جواب‌های مربوط به زمان‌ها و مکان‌های مختلف با یکدیگر مقایسه شدند. در مرحله بعدی این جواب‌ها با آنچه در عمل انجام می‌گیرد، تطبیق داده شد تا

1. Carspecken
2. Kincheloe & McLaren
3. Jupp

زاویه‌بندی و در نتیجه باورپذیری تحقیق به حداکثر برسد. همچنین در جمع‌آوری اطلاعات تحقیق حاضر به غیر از محقق، از مشاهده‌گران و پرسشگران (به‌ویژه پرسشگران بومی) دیگری نیز استفاده شد و سپس مقایسه یافته‌های چندین محقق با یکدیگر صورت گرفت. علاوه‌براین، در جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده، مشاهده مشارکتی و بررسی اسناد استفاده شد تا اطلاعات جامع و عمیق‌تری از موضوع به‌دست آید.

برای کسب اعتبار عضو، هم در طرح سؤالات تحقیق از نظرهای افراد مورد مطالعه استفاده شد و هم پس از هر مصاحبه، یادداشت‌ها و نکات برداشت‌شده به پاسخگویان ارجاع یافت و دیدگاه‌ها و نیز مخالفت یا موافقت پاسخگو با این نکات در مورد آن‌ها لحاظ شد. در نهایت نیز یافته‌های کلی پژوهش حاضر به برخی از پاسخگویان ارائه شد تا بدین‌وسیله اعتبار تحقیق حاضر از نظر پاسخگویان نیز به‌بترین نحو تأمین شود. تلاش بر آن بود که تا حد امکان از اصل بازاندیشی پیروی شود؛ به‌طوری‌که در فرایند تحقیق، بازبینی هم‌زمان کنش‌ها و اندیشه‌های محقق- که ویژگی ذاتی زندگی انسانی است- انجام گیرد.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: در تحقیق حاضر، مانند همه تحقیقاتی که به روش کیفی اتنوگرافی انتقادی انجام می‌شود، از روش نمونه‌گیری نظری یا هدفمند استفاده شد. در این نوع روش نمونه‌گیری، افرادی که برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش انتخاب می‌شوند، براساس نظرات محقق و اهداف تحقیق تعیین می‌شوند (بلور و وود^۱، ۲۰۰۶: ۱۵۴)؛ بنابراین، براساس اهداف، به‌طورکلی سه دسته اصلی از افراد برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق انتخاب شدند: دسته اول کارشناسانی که هر یک به‌نوعی درگیر تجارت و بازارچه‌های مرزی‌اند و در این زمینه تجربه و آگاهی دارند؛ یعنی افراد دارای سمت‌های اداری مانند کارکنان گمرک، مرزبانان، مسئولان شهرهای مرزی، محققان و ... ، دسته دوم بازاریان و به‌عبارت دیگر فروشندگان کالا در بازارچه‌های مرزی و دسته سوم خریداران.

برای تعیین حجم نمونه از روش «اشباع نظری» استفاده شد. در این زمینه مورس^۲ (۱۹۹۴) معتقد است که در مطالعات مربوط به اتنوگرافی، حدود ۳۰ تا ۵۰ مصاحبه باید انجام شود. در تحقیق حاضر نیز با پیروی از این اصل، در هر سه گروه، مصاحبه‌ها تا جایی طول داده شد که پاسخگویان نکات جدیدی برای گفتن نداشته باشند؛ به‌طوری‌که فضای مفهومی سؤال‌های پژوهش اشباع شدند و پاسخ‌های افراد، تکراری یا مشابه به‌نظر می‌رسیدند. اشباع نظری، بعد از مصاحبه با ۵۰ نفر محقق شد، اما به‌منظور اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها تا ۵۳ مورد ادامه یافت.

فنون گردآوری داده‌ها: در تحقیقات اتنوگرافی، گردآوری داده‌ها بیش از هر جای دیگری تابع پرسش پژوهش و شرایط میدان مورد مطالعه است (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۵۳). با توجه به این مسئله، در تحقیق حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات، چهار تکنیک مشاهده مشارکتی و غیرمشارکتی، مصاحبه (۵۳ مورد)، گفت‌وگو (۱۲ مورد)، فوکوس گروه (۳ مورد با زنان، تحصیل‌کردگان و بازاریان) و درنهایت، تحلیل اسنادی یعنی استفاده از سایت‌ها، وبلاگ‌ها، فیلم‌ها، خاطرات و منابع موجود در سازمان‌های سطح شهر بانه به‌کار گرفته شد.

رویه‌های فروکاستن و تحلیل داده‌ها: در اینجا برای ارائه یافته‌های تحقیق، برخی از کارهای انجام‌شده به روش اتنوگرافی انتقادی بررسی می‌شود. به‌عبارت دیگر، برای دنبال کردن مراحل و چگونگی ارائه یافته‌ها، پژوهش‌های لیون^۱ (۲۰۱۱)، پنی^۲ (۲۰۰۵)، دنبار^۳ (۲۰۰۹)، کاواباتا^۴ (۲۰۰۹)، صالح^۵ (۲۰۰۸)، بچ^۶ (۲۰۱۲)، الظیوبی^۷ (۲۰۱۱)، وانگ^۸ (۲۰۱۱) و کویل نیال^۹ (۲۰۰۸) بررسی شده است. خلاقیت زیاد محققان در ارائه یافته‌های این پژوهش‌ها شایان توجه است؛ به‌ویژه اینکه بیشتر این پژوهش‌ها، درباره تجربه گروه خاصی از افراد (مانند معلمان، زنان، سالخوردگان، معتادان و...) است، اما تحقیق حاضر گروه‌های متنوعی از افراد را دربرمی‌گیرد. براین‌اساس، یافته‌های تحقیق حاضر در سه سطح ارائه شده‌اند. سطح اول همان است که کارسپکن آن را «تحلیل بازساختی مقدماتی» می‌نامد. هدف این بخش، ارائه تأمل‌های نظری درباره معنای مربوط به مشاهده و توصیف بازار مرزی و نقش‌ها و روابط افراد درگیر در آن است. در این بخش، تاریخچه تجارت و بازارچه مرزی در بانه و مهم‌ترین فضاهای تجاری و مصرفی توصیف شده است.

در سطح دوم، توصیف روابط سیستمی انجام می‌شود. در این سطح، تحلیل، مشاهدات و یادداشت‌ها کدگذاری می‌شود تا تم‌های اولیه داده‌های جمع‌آوری شده شناسایی و مجموعه‌ای از مقوله‌ها مشخص شود. هدف این مرحله، ارائه توصیف‌هایی ضخیم^{۱۰} از طریق فرایند کدگذاری است (مان^{۱۱}، ۲۰۱۱: ۴۱-۴۳).

1. Lyons
2. Penney
3. Dunbar
4. Kawabata
5. Salleh
6. Batch
7. Alzoubi
8. Wang
9. Coble-Neal
10. Thick
11. Mahon

در سطح سوم- که مرحله نهایی تحلیل است- بین مقوله‌ها و کدهای بررسی شده در مراحل قبلی و نیز بین این کدها و نظریه‌ها ارتباط برقرار می‌شود. کارسپکن معتقد است که در اتنوگرافی انتقادی، هدف از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، رسیدن به نقطه‌ای است که در آن، محقق بتواند داده‌های جمع‌آوری شده را با نظریه‌های موجود مرتبط سازد (مان، ۲۰۱۱، اوماهونی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲).

بستر مطالعه: در این پژوهش، از میان همه بازارهای مرزی مناطق کردنشین، بازار مرزی بانه در استان کردستان مطالعه شد. دلایل انتخاب این شهر به عوامل مختلفی برمی‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها رواج و گسترش تجارت و حجم بالای صادرات در این بازارچه در مقایسه با بازارچه‌های دیگر است (حاجی‌نژاد و احمدی، ۱۳۸۹: ۸). غلبه گردشگری تجاری (صفاری و موسی‌وند، ۱۳۹۱: ۳۲۲)، داشتن بیشترین مرز مشترک با کشور عراق در میان شهرهای استان کردستان و بیشترین حجم ورود کالاهای قاچاق (نوری و یارویی، ۱۳۸۹: ۵۶۶) و تبدیل شدن آن به منطقه ویژه اقتصادی از سوی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۹ از دیگر علل این مطالعه است (مرادنژاد و همکاران، ۱۳۹۱). همه دلایل فوق موجب می‌شود که تأثیر بازار و تجارت مرزی، به‌ویژه پس از تحولات عراق، بیش از هر جای دیگری در شهر بانه مشاهده شود.

یافته‌های توصیفی

بعد از انجام دادن مشاهدات مشارکتی و غیرمشارکتی محققان در میدان مورد مطالعه مشخص شد که دو نکته مهم درمورد بازار مرزی بانه حائز اهمیت است: تاریخچه تجارت و بازار مرزی در بانه و سربرآوردن فضاهای تجاری و مصرفی. در ادامه، هر یک از این تغییرات به‌طور خلاصه بررسی می‌شوند.

تاریخچه تجارت و بازار مرزی: درمورد تاریخ تجارت در شهر بانه، قدیمی‌ترین متنی که به وجود گمرک در شهر بانه اشاره دارد، متنی است که در سال ۱۳۳۳ به نگارش درآمده و در آن، بر بسته شدن گمرک بانه به دلیل حوادث غرب کشور تأکید شده است (نظام مافی، ۱۳۶۳: ۱۶۵)، اما مصاحبه‌های روایی و بررسی‌های اسنادی نشان داد که بانه طی تاریخ، همواره به دلیل واقع شدن در سرحدات مرزی، دارای تجارت مرزی بوده است، اما با جداشدن سلیمانیه از ایران در دوره قاجار، به‌ویژه با ظهور دولت مدرن رضاخانی در ایران و ایجاد مرز بین مناطق کردنشین ایران و عراق، تجارت صورت جدیدی به خود می‌گیرد و از این زمان است که مفهوم «مرز» و «قاچاق» ایجاد می‌شود. بدین ترتیب، ترسیم مرز سبب می‌شود یک پهنه فرهنگی واحد به دو قسمت تقسیم شود.

از این رو، تجارت به یک امر ممنوع تبدیل می‌شود و مردم بانه با توجه به جایگاهشان در مرزی‌ترین منطقه کردستان ایران، مانند گذشته نمی‌توانند به راحتی مرادهای فرهنگی، اجتماعی و تجاری و اقتصادی داشته باشند. پس از انقلاب ایران و نیز حمله عراق به کویت، به دلیل نابسامانی‌های موقت هردو طرف و گاهی تضعیف حکومت مرکزی، تجارت مرزی رونق زیادی می‌گیرد، اما در سال‌های اخیر، اتفاقات عراق و حضور کشورهای غربی در این کشور، رونق بیش‌ازپیش سرمایه‌داری چین و تغییرات سیاسی در ایران، همگی موجب می‌شود که بانه تغییراتی اساسی پیدا کند و از نظر تجاری، گسستی با گذشته بیابد. «احمد» که تحصیلات کارشناسی ارشد دارد و سال‌هاست رویدادهای منطقه را دنبال می‌کند، درباره نقش تحولات کردستان عراق از سال ۲۰۰۳ به بعد در تحولات بانه می‌گوید: «می‌توان گفت آن فرصتی که به لحاظ سیاسی و حاکمیتی در اقلیم کردستان عراق به وجود آمد، با توجه به رابطه‌ای که بین بازرگانان بانه و بازرگانان کردستان عراق و مخصوصاً سلیمانیه وجود داشت، به‌عنوان دو حلقه که با هم در ارتباط هستند، به‌طور غیررسمی ورود بانه به تجارت و بازارهای جهانی را تسهیل کرد. وجود شرکای اقتصادی و بازرگانی در کردستان عراق و ثبات نسبی که کردستان عراق نسبت به سایر جاها داشت، این امر را موجب شد. می‌توان فرض کرد که در بصره هم چنین فضایی می‌توانست به‌وجود بیاید، ولی این اتفاق نیفتاد؛ چون در آنجا ثبات سیاسی و امنیتی کردستان عراق وجود نداشت. می‌توان گفت از این زمان به بعد بین بانه، سلیمانیه و چین یا بانه، سلیمانیه و دبی یک رابطه سه‌ضلعی به‌وجود آمد. ضلع‌های این مثلث توانستند خودشان را پیدا کنند.»

ظهور فضاهای تجاری و مصرفی: اثر دیگر رونق بازار مرزی بر شهر بانه، افزایش فضاهای تجاری است. این مراکز تجاری، محل عرضه و فروش کالاهای خارجی وارد شده از بازارچه‌های مرزی به‌صورت رسمی و نیز غیررسمی هستند که اغلب به‌صورت قاچاق و غیرقانونی وارد شده‌اند. لوازم خانگی، وسایل صوتی و تصویری، شیشه و کریستال، لوازم آرایشی و بهداشتی، چای و سیگار از مهم‌ترین کالاهای موجود در این مراکز تجاری‌اند که مسافران و معامله‌گران زیادی را از اقصی نقاط ایران جذب می‌کنند. مطالعات موجود نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ تعداد این فضاهای تجاری از ۱ به ۱۵ (وطن‌دوست، ۱۳۸۳) و از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ به ۲۶ (حاجی‌نژاد و احمدی، ۱۳۸۹) و از آن زمان تاکنون به بیش از ۸۰ مورد رسیده است. افزایش این فضاهای تجاری به حدی بوده است که الان در سراسر ایران به شهر بانه لقب «شهر پاساژها» را داده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. نوع و تعداد فضاهای تجاری و مصرفی در شهر بانه

نوع فضا	مجتمع تجاری	پاساژ	بازارچه	بازار بزرگ	مرکز خرید
تعداد	۵۷	۸	۸	۷	۴

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، این فضاهای تجاری به صورت‌های مختلف نام‌گذاری شده است و بیشترین آن‌ها مجتمع تجاری است، اما نکته مهم آن است که این نام‌گذاری بیشتر ظاهری است و از نظر کارکردی تفاوتی بین مکان‌های تجاری مذکور وجود ندارد.

یافته‌های تحلیلی

در این بخش، تأثیرات ظهور این بازار و تجارت مرزی بر نظام اقتصادی براساس درک، تفسیر و تجربه مردم بررسی می‌شود. مهم‌ترین پرسشی که در این زمینه طرح شد، این بود که «به نظر شما مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی ظهور بازار و تجارت مرزی بر مردم بانه چه بوده است». در ادامه، پاسخ‌ها در دو مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری ارائه و درباره آن‌ها بحث می‌شود.

خدماتی‌شدن جامعه

یکی از پیامدهای بازار و تجارت مرزی از دیدگاه ساکنان بانه، رشد و گسترش سریع بخش خدماتی در شهر بانه بوده است؛ به طوری که در نتیجه رواج بازار و تجارت مرزی، مشاغل جدیدی به وجود آمده که در تاریخ این شهر سابقه نداشته است. به عبارت دیگر، یافته‌ها نشان داد که از نظر پاسخگویان، محدودیت‌ها و تضعیف شیوه‌های سنتی تولید، نبود صنایع و کارخانه‌ها و از سوی دیگر جذابیت‌های درآمدی و نیز سهولت مشاغل مرتبط با تجارت و مرز سبب شده است که برای بسیاری از ساکنان شهر بانه، روستاهای اطراف، شهرهای کردنشین مثل سقز، بوکان، سردشت و... و نیز شهرهای غیرکردنشین، در ارتباط با مرز، بازار و فعالیت تجاری، زمینه‌های کاری فراهم شود. برخی از مهم‌ترین این مشاغل عبارت‌اند از: مغازه‌داری، پاساژداری، نگهداری، اداره کاروان، رانندگی، اجاره دادن خانه، دستفروشی، احشام‌فروشی، بنزین‌فروشی، ضمانت، پادویی، دلار و دینارفروشی، کار در رستوران، خیمه‌داری، انبارداری، بنگاهداری، کولبری و... از جمله مهم‌ترین عوامل گرایش به مشاغل خدماتی و تجاری از نظر ساکنان شهر بانه، از یک سو سهولت انجام دادن چنین مشاغلی و از سوی دیگر درآمد زیاد آن‌ها در مقایسه با مشاغل دیگر است. «سالار» که در بازار بانه به شغل فروشندگی لوازم آرایشی اشتغال دارد، در این زمینه می‌گوید: «من خودم اگر این

بازار نمی‌بود، الان کشاورز بودم و سی چهل رأس حیوان و گوسفند و... داشتم، ولی الان ندارم. این شغل درآمد بیشتر و زحمت کمتری دارد. برای همین به آن روی آوردم. اکثر مغازه‌دارها اینجا مثل من هستند؛ یعنی می‌توانم بگویم بیش از هفتاد درصد این مغازه‌دارها که می‌بینی مثل من بودند و سی درصد از خود شهر بانه هستند؛ یعنی از روستاها آمده‌اند و پولشان را روی هم گذاشته‌اند و مغازه زده‌اند و الحمدلله الان به وضعیت خوبی رسیده‌اند. پولی که ما با یک سال کشاورزی ممکن بود به دست بیاوریم، اینجا با یک ماه مغازه‌داری به دست می‌آوریم، بدون اینکه خانواده اذیت شوند.»

نکته مهم در مورد این مشاغل، مردانه بودن آن‌هاست و اینکه اغلب توسط کودکان و مردان جوان و بزرگسال انجام می‌شود. این امر از نظر ساکنان بانه از سویی به این دلیل است که مشاغل مربوط به تجارت مرزی مشاغلی است که زنان توان انجام دادن آن را ندارند و از سوی دیگر سنت‌های دست‌وپاگیر موجب شده است که زنان در مشاغل درون بازار و پاساژهای شهر بانه نیز نقش چندانی نداشته باشند؛ بنابراین، زنانی که مغازه‌دار یا دارای سایر مشاغل خدماتی هستند، بسیار کم‌اند.

افزایش مهاجرپذیری: رواج و گسترش بازار و تجارت مدرن در شهر بانه سبب شده است که مهاجران زیادی از نقاط مختلف به بانه روی بیاورند و به اصطلاح میزان مهاجرپذیری این شهرستان افزایش پیدا کند. این مسئله در آمارهای ارائه شده دولتی نیز به وضوح دیده می‌شود؛ به طوری که براساس آمارها و اسناد دولتی، در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ شهرستان‌های مریوان و بانه - که هردو دارای بازار و تجارت مرزی هستند - بیشترین رشد جمعیت استان را داشته‌اند و به لحاظ مهاجرپذیری درون‌استانی نیز بعد از سنندج، مریوان و بانه در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۰). این مهاجران، در وهله اول از شهرها و روستاهای نزدیک شهرستان بانه و سپس از سایر مناطق هستند. «نجم‌الدین» که تحصیلات دیپلم دارد و اکنون در بازار مشغول فروش لوازم خانگی است، درباره افزایش مهاجرپذیری در بانه می‌گوید: «این تجارت باعث شده که بانه آبادترین شهر غرب کشور باشد و برای همین از تمام شهرها آمده‌اند و اینجا کار می‌کنند. از سقز، سردشت و حتی میاندوآب، بوکان و مریوان. از همه شهرها آمده‌اند و من حتی غیرکرد هم زیاد می‌بینم؛ مثلاً چند تا از دوستان من صاحب مغازه‌هایشان تهرانی هستند؛ چون کرایه مغازه در بانه زیاد است؛ یعنی مغازه را ارزان می‌خرند و در عوض کرایه زیاد می‌گیرند. اکثر این غیربانه‌ای‌ها به خاطر تجارت آمده‌اند. عده‌ای هم که از شهرهای اطراف آمده‌اند اینجا و چتر باز هستند و کالا

جابه‌جا می‌کنند به شهرهای دیگر. عده‌ای هم که مشغول دستفروشی و حملی و... هستند. جاذبه‌های شهر باعث شده که از روستاهای اطراف هم زیاد به شهر بانه مهاجرت کنند.»

از سوی دیگر به اعتقاد پاسخگویان، میزان مهاجرفرستی شهرستان بانه به شدت کاهش پیدا کرده است؛ به طوری که تا پیش از ظهور بازار و تجارت مرزی کنونی در شهرستان بانه، بسیاری از مردم مجبور بودند بعد از فراغت از فعالیت‌های سنتی کشاورزی، باغداری و دامداری و به‌ویژه در فصل تابستان، برای انجام‌دادن مشاغل خدماتی مانند باغداری، نگهبانی، کار در کوره‌خانه و... به شهرهای اطراف بروند، اما در حال حاضر رونق تجارت و فعالیت‌های مرزی این روند را معکوس کرده و از شهرها و مناطق دیگر برای کار و تجارت به بانه و روستاهای اطراف می‌آیند. «علی» که دانشجوی دکتری تاریخ است، در این زمینه می‌گوید: «این بازار تقریباً از ده تا پانزده سال قبل این‌گونه رونق گرفت و قبل از آن نبود. قبل از این بازار، مردم اینجا از نظر اقتصادی وابسته بودند و می‌رفتند سراغ مشاغلی مثل کار در کوره‌های آجرپزی، مرغداری، گاوداری و باغداری در شهرهای عجم، اما الان برعکس شده و از جاهای دیگر می‌آیند برای کار در بانه. در واقع الان بانه موقعیتی بندری پیدا کرده و از شهرهای دیگر فارس، ترک، شکاک و... آمده‌اند بانه کاسبی می‌کنند.»

به‌طور کلی، مهاجرفرستی کم و مهاجرپذیری زیاد، علاوه بر شهر، چهره روستاهای شهرستان بانه را نیز در سال‌های اخیر دگرگون کرده است؛ به طوری که بیشتر مردم در روستاهای دور از مرز، به بانه و روستاهای دیگر مهاجرت کرده‌اند، اما در روستاهای نزدیک مرز، شاهد مهاجرت معکوس هستیم.

هژمونیک شدن پول: اگرچه ظهور پول در مناطق کردنشین و همچنین بانه به سال‌های بسیار دور برمی‌گردد، گسترش بازار و تجارت در یک یا دو دهه اخیر سبب شده است که پول نقش بسیار پررنگ‌تر و برجسته‌تری در زندگی و زیست‌جهان مردم بانه پیدا کند. یکی از عوامل این وضعیت، وفور کالاها، مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی و نیاز به پول بیشتر برای خرید کالاها و جدید و متنوعی است که هر روز در بازار مرزی عرضه می‌شود. «عبدالله» که ۵۵ ساله و فروشنده لوازم خانگی است، این امر را چنین توضیح می‌دهد: «وقتی در خانواده‌ها از اهمیت فرهنگ کاسته شده و پول پیدا کردن در اولویت قرار گرفته است، زنان توقعاتشان بالا رفته و کلی وسایل گران‌قیمت مثل لباس کردی زنانه، وسایل جدید خانه، طلا و جواهرات و... می‌خرند.» علاوه بر این، افزایش نهادهای مالی و پولی مانند بانک‌ها و گردش مالی زیاد آن‌ها، افزایش نقدینگی و عادی شدن سود بانکی، به عادی و طبیعی شدن وضعیت پول کمک بسیاری کرده و به نوعی آن را نهادینه کرده است. اگر زمانی مردم بانه، سود بانکی را حرام می‌دانستند، امروزه برای وارد کردن کالاهای بیشتر، به-

راحتی از وام‌های بانکی استفاده می‌کنند. «حسن» که او هم ۵۵ ساله و ده‌ده‌دار است و چند سالی است که از روستاهای اطراف به شهر بانه مهاجرت کرده معتقد است که «در همه قرآن می‌گویند بانک نرو و سود نخور، اما الان همه مردم بانه سود می‌خورند.» «جلال» هم که کارمند یکی از بانک‌های بانه است، در این زمینه می‌گوید: «من آمار دقیقی درباره تعداد بانک‌های سطح شهر بانه ندارم، اما خودتان قضاوت کنید، از میدان جهاد به بعد همه جا بانک زده‌اند. از این بیشتر به نظر من هیچ لزومی ندارد که مرتب به تعداد بانک‌ها اضافه شود. این افزایش تعداد بانک‌ها چه چیزی می‌خواهد به این شهر اضافه کند؟ به جای آن شما کشورهای خارجی را نگاه کنید، ببینید آیا به این شیوه بانک دارند. در یک شهر اروپایی که می‌گردی، کل شهر ده بانک بیشتر ندارد که البته کمتر از ده تا هم هست، اما بانک‌های بانه به نظرم از سقز که شهر بزرگ‌تری است، بیشتر است.»

اگر این ویژگی‌ها از ویژگی‌های پول است، سهل‌الوصول بودن بیشتر این پول‌ها، ویژگی‌های خاص آن را دوچندان کرده است. به عبارت دیگر، این پول‌ها در بیشتر مواقع بدون تلاش و تنها با ریسک بالا به دست آمده است؛ بنابراین، به‌طورکلی از نظر ساکنان بانه، بازار و تجارت مرزی، رواج شتابان پول و اقتصاد پولی و غلبه مبادلات پولی در زندگی مردم سبب شده است که روحیه حسابگری، ذهنیت پولی و روحیه پول‌جویی در میان بیشتر افراد به‌وجود بیاید و پول نه تنها به عنوان یک ابزار، بلکه به‌عنوان هدفی مهم درآمد و به‌نوعی به معیار همه چیز تبدیل شود.

تضعیف شیوه‌های تولید سستی: در منطقه بانه در طول تاریخ همواره کشاورزی و باغداری نسبت به دامداری در اولویت‌های بعدی قرار داشته‌اند؛ زیرا منطقه از نظر جغرافیایی، خاک و زمین‌های مناسب ندارد و در نتیجه چندان جوابگوی تأمین نیازهای مردم نبوده است. علاوه بر این، از نظر پاسخگویان اگرچه به‌طور معمول کشاورزی و باغداری در بانه، از مسائل و مشکلاتی مانند تغییرات آب‌وهوایی، کاهش نزولات جوی، سرمازدگی، تگرگ و باران‌های سیل‌آسا، واسطه‌گری و دلال‌بازی، و نبود نظارت و رسیدگی کامل دولت تأثیر پذیرفته است، در چند دهه اخیر و با رواج و گسترش بازار و تجارت مرزی، مشکلات و مسایل کشاورزی برجسته‌تر شده و سبب کاهش تمایل ساکنان به کارهای کشاورزی و روی آوردن آن‌ها به مشاغل تجاری شده است. «عبدالله» ۵۸ ساله که سال‌ها تجربه فعالیت در امور صنفی مربوط به کشاورزی را دارد، در مورد تأثیر بازار و تجارت بر کشاورزی می‌گوید: «روبه‌روز کشاورزی در منطقه ما رو به نابودی می‌رود و دلیل آن هم این مرز و بازار است؛ به این دلیل که مثلاً طرف پیش خود حساب می‌کند پولی که در یک

سال کشاورزی کردن می‌توانم به‌دست بیاورم، می‌توانم در یک ماه تجارت و کار بازار و مرز به-دست بیاورم و آن هم خیلی راحت، بدون آنکه خانواده‌ام اذیت شوند.»

یکی از پیامدهای این وضعیت از نظر ساکنان شهر بانه، جانبی شدن فعالیت‌های کشاورزی و باغداری نسبت به فعالیت‌های بازار است. «علی» که بیش از دوازده سال است در سازمان کشاورزی فعالیت می‌کند، در این زمینه می‌گوید: «تأثیر اصلی تجارت مرزی بر باغداری این بوده که باغدار و کشاورز، ضمن اینکه مشغول باغداری است، این شغل برای او در اولویت دوم و سوم قرار گرفته است. شغل اول، غالباً و در ۹۵ درصد موارد کار تجاری است و این به‌خاطر وضعیت تجاری پیش‌آمده، رونق مبادلات مرزی و حجم زیاد مسافرهایی است که به اینجا آمده‌اند. من دوازده سال است که اینجا کار می‌کنم و در همین پست بوده‌ام، ولی هنوز نمی‌توانم باغداری را معرفی کنم که شغل اصلی‌اش باغداری باشد. درحالی‌که در مناطق دیگر چنین افرادی وجود دارند.»

علاوه‌بر این موارد، جاذبه‌های تجارت سبب کالایی شدن زمین‌های کشاورزی شده است. اگر در گذشته زمین کشاورزی برای فرد کشاورز چیزی بیش از ارزش اقتصادی داشت و فرد خود را در ارتباط با آن تعریف می‌کرد، رواج و گسترش تجارت و افزایش نقش و اهمیت پول، واسطه بین شخص و دارایی‌هایش شده است و در نتیجه فرد دیگر مانند گذشته خود را براساس ملک و زمینش تعریف نمی‌کند؛ بلکه آن را قطعه‌قطعه می‌کند و برای سود به فروش می‌رساند. «محمد» که در بازار مشغول فروش لوازم خانگی است، درباره این مسئله می‌گوید: «در نتیجه این بازار، خیلی از زمین‌های کشاورزی- که قبلاً برای صاحبانشان درآمدی نداشتند- در جاهایی که مناسب‌ترند، فروش رفته‌اند یا چون خریدار دارند، فروخته خواهند شد. این ثروتمندان زمین را مطمئناً برای کشاورزی نمی‌خواهند؛ بلکه به خانه‌باغ و استراحتگاه تبدیل می‌کنند و این مسئله روزبه‌روز بیشتر گسترش می‌یابد؛ به‌طوری‌که اگر همین‌طور پیش برود، تمام زمین‌های کشاورزی، حتی اگر درآمدی هم نداشته باشند، از سوی ثروتمندان خریداری می‌شوند.»

برایند موارد فوق، کاهش کشاورزی و باغداری به‌عنوان بخشی از شیوه تولید سنتی در شهر بانه است. وجه دیگر شیوه تولید سنتی در بانه دامداری است که از قدیم شغل اصلی مردم بانه به‌ویژه در روستاها بوده است. دامداری پیش از هر چیز نیازمند جنگل و مراتع است و این چیزی است که در بانه به اندازه کافی وجود داشته است. از نظر مصاحبه‌شوندگان، دامداری نیز مانند کشاورزی و باغداری، از مشکلات و محدودیت‌هایی تأثیر پذیرفته است. مهم‌ترین محدودیت‌های دامداری بانه از نظر مصاحبه‌شوندگان، ناامنی در دامداری، هزینه‌های زیاد دامداری و سختی و

طاعت فرسای بودن فعالیت‌های مربوط به آن در مقایسه با فعالیت‌های تجاری است. این مسائل و مشکلات دامداری، مانند مسائل و مشکلات مربوط به کشاورزی و باغداری، پس از رواج و گسترش بازار و تجارت مرزی در شهر بانه، بیشتر نمایان شده و موجب تضعیف آن شده است. چنین مسئله‌ای در ابتدا به صورت قاچاق دام بروز یافته است؛ یعنی اگر در گذشته از دام‌ها بیشتر برای رفع نیازهای روزمره استفاده می‌شد، امروزه با رواج و گسترش اقتصاد پولی، بیش از پیش دام، ابزاری برای سود تلقی می‌شود. «محمد» که دبیر یکی از دبیرستان‌های شهر بانه است، در این زمینه می‌گوید: «اگر جغرافیای طبیعی شهر بانه را مدنظر قرار دهید، چون اینجا بیشتر کوهستانی است و خیلی امکان تولید محصولات کشاورزی نیست، بخش اعظم مردم اینجا در طول تاریخ مشغول دامداری بوده‌اند، اما در چند سال اخیر، با توجه به اینکه گوشت قرمز مصرف زیادی دارد، قاچاق و تجارت وارد حوزه دام شده و در حال نابودی آن است؛ یعنی اگر دامی هم تولید می‌شود، مصرف قاچاق دارد. البته دام‌های قاچاقی تنها مختص بانه نیست؛ بلکه از شهرهای دیگر و حتی سیستان و بلوچستان دام اینجا می‌آید و قاچاق می‌شود. من به جرئت می‌توانم بگویم خیلی از افرادی که در بازار مشغول تجارت‌اند، سرمایه اولیه کسب‌وکارشان را از فروش دام‌هایشان به دست آورده‌اند.»

قاچاق دام موجب تضعیف دامداری به‌عنوان مهم‌ترین وجه شیوه تولید سنتی در شهرستان بانه شده است. مهم‌ترین پیامد ناشی از تضعیف دامداری نیز به اعتقاد پاسخگویان، تضعیف صنایع دستی مرتبط با آن بوده است. شهرستان بانه از قدیم در میان شهرهای استان کردستان به‌خاطر صنایع دستی و به‌ویژه لباس و شال خاصی که در آنجا از نژاد خاصی از بز به نام بز مرغوز به عمل آمده مشهور بوده است، اما از نظر بیشتر ساکنان بانه، روی آوردن مردم به تجارت غیررسمی و در نتیجه تضعیف دامداری در چند سال اخیر، موجب کاهش تعداد بزهای مرغوز شده و این مسئله، کاهش صنایع دستی مرتبط با دامداری و به‌ویژه موی این نوع بز شده است. «علی» که دانشجوی دکتری است، در این زمینه می‌گوید: «بر اساس آمارهای قدیمی، بانه بزرگ‌ترین شهر استان کردستان در زمینه دامداری به‌ویژه پرورش بز و گوسفند و همچنین بزرگ‌ترین تولیدکننده شال موسوم به «مهرز» یا «مرغوز» بوده است. بیشترین تعداد بز مرغوز در بانه بوده و مرغوب‌ترین اجناس مرغوز نیز در همین شهرستان تولید می‌شده است، اما الان این نوع بز مختلط و دورگه شده؛ چون مردم خیلی برایشان مهم نیست و زیاد تولید نمی‌کنند و پرورش نمی‌دهند. بخش زیادی از آن‌ها الان آمده‌اند و در مرزها فعالیت می‌کنند. یا توپویتا خریده‌اند یا قاطر خریده‌اند یا اینکه کولبری می‌کنند؛

چون در مدت کمتر درآمد بیشتری به دست می‌آورند. این تجارت، هم بر دامداری تأثیر گذاشته و هم بر پرورش آن نژاد خاص بز. در بخش آرمرده که تولید شال «مهره‌ز» خیلی رونق داشت، الان خیلی کم‌رنگ شده و از رونق افتاده است. الان وضعیت کار به جایی رسیده که لباس‌های کردی که قبلاً از پشم این نوع بز تولید می‌شد، در خارج و در کشور چین ساخته می‌شود و از مرزها به صورت رسمی و غیررسمی وارد می‌شود.»

در مجموع، براساس دیدگاه‌های ساکنان بانه، تأثیر تجارت و بازار سبب شده است که شیوه‌های تولید سنتی در بانه تضعیف شود و ساکنان بانه و به‌ویژه جوانان، بیش از پیش فعالیت‌های تجاری را به فعالیت‌های سنتی و قدیمی ترجیح دهند.

تضعیف طبقه متوسط: در بانه مانند سایر مناطق کردنشین، از زمان رضاخان و به دلیل پروژه دولت-ملت‌سازی، سازمان‌هایی مانند شهرداری، ژاندارمری، بخش‌داری، مدرسه دولتی، گمرک، اداره برق، دخانیات، بیمارستان، آموزش و پرورش، اداره راهسازی و... در این شهر احداث شد (امین‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۲). سربرآوردن این سازمان‌ها، به ایجاد و گسترش بخش دولتی در بانه کمک کرد و قشری به وجود آورد که به جای انجام دادن امور کشاورزی، دامداری، صنایع دستی یا کار در مرز، در اداره‌ها مشغول به کار شدند و جیره‌خوار دولت شدند. این طبقه، بعد از انقلاب هم به دلیل رونق و توسعه بیشتر سازمان‌های دولتی گسترش بیشتری یافت و به یکی از طبقات اصلی اقتصادی در بانه تبدیل شد، اما چنانکه یافته‌های این مطالعه نشان داد، رواج و گسترش تجارت، پیامدهای منفی برای این طبقه به همراه آورده و موجب تضعیف آن و کم‌توجهی و بی‌توجهی مردم به آن شده است. طبقه متوسط، از دو بخش جدید و سنتی تشکیل شده است. بخش جدید همان است که احمد اشرف (۱۳۵۹) در *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران* و سایر آثار خود، از آن با عنوان طبقه متوسط مدرن یاد می‌کند و شامل کارمندان و اداری‌ها، دانشگاهیان، معلمان، نظامیان و روشنفکران است. همه این اقشار متوسط مدرن در بانه، به شکل‌های مختلف اقتصادی، روانی و... از بازار و تجارت مرزی تأثیر پذیرفته‌اند. «بهزاد» در این زمینه می‌گوید: «الان طبقه متوسط یعنی کارمندان و معلمان، روی آورده‌اند به پاساژها و آنجا مغازه دارند و حتی اگر هم مغازه نداشته باشند، همیشه مشغول معامله زمین‌اند.» «هیدی» هم در تکمیل سخنان بالا درباره تأثیر روانی تجارت بر این قشر متوسط می‌گوید: «به نظر من با گسترش این تجارت و ثروتمند شدن عده‌ای، نوعی حس روانی منفی در طبقه متوسط به وجود آمده و موجب ناراحتی‌شان شده است. این‌ها ناراحت هستند از اینکه یک عده نوکیسه برایشان کلاس می‌گذارند و از نظر روانی موجب ناراحتی

آن‌ها می‌شوند. خیلی از اینها فضای شهری برایشان غیرقابل تحمل می‌شود و منزوی می‌شوند... من آدم‌های بسیاری می‌شناسم که بسیار باشخصیت و باشعورند. این‌ها اصلاً منزوی شده‌اند.» علاوه بر طبقه متوسط جدید، آن بخش از طبقه متوسط نیز که اشرف و بنوعیزی (۱۳۸۸) آن را طبقه متوسط سنتی، یعنی کسبه، پیشه‌وران و روحانیون نامیده‌اند، تضعیف شده است و آن‌ها مجبور شده‌اند مشاغل خود را تغییر دهند. مهم‌ترین جلوه این تغییر، در تغییر مکان بازار از بخش سنتی به مدرن و ظهور پاساژها و مجتمع‌های تجاری در بخش بازار سنتی نمایان می‌شود. «سعید» که در قسمت بازار سنتی مشغول فروش و تعمیر وسایل صوتی - تصویری است، در این زمینه می‌گوید: «در گذشته کنار مسجد قدیم، یک بازار کوچک سرپوشیده وجود داشت و بقیه بازار سنتی به صورت راسته بازار بود. آن بازار قدیمی، محلی برای فروش محصولات محلی بود و در آن مغازه‌های خرازی، عطاری و... وجود داشت، اما الان این بازار سنتی تحت تأثیر بازار جدید قرار گرفته و حتی وسایلی که فروش می‌رود، از بانه و حتی تولید داخل نیست. البته هنوز عده‌ای هستند که قاطی بازار جدید نشده‌اند و خشکبار و تولیدات داخلی را می‌فروشند، اما روی هم رفته در چند سال اخیر در آن بخش بازار سنتی نیز مجتمع‌های تجاری احداث شده است و به تدریج در بازار جدید ذوب می‌شود.» بخش دیگری از طبقه متوسط سنتی، روحانیون هستند که بسیاری از آن‌ها هم یا مستقیم وارد این بازار جدید شده‌اند یا غیرمستقیم درگیر آن شده‌اند؛ به طوری که هیچ‌گونه مقاومت خاصی در برابر بازار انجام نداده‌اند و با آن هماهنگ شده‌اند.

در مجموع، ساکنان بانه معتقدند که تجارت و بازار جدید سبب تضعیف طبقه متوسط و بخش‌های سنتی (کسبه، پیشه‌وران و روحانیون) و مدرن (کارمندان، معلمان و...) شده است؛ به طوری که این اقشار، هم به لحاظ مادی و هم به لحاظ اجتماعی، جایگاه و منزلت اجتماعی پیشین را ندارند.

ظهور قشر جدید، تاجران سرمایه‌دار نوظهور: یکی دیگر از پیامدهای اقتصادی مهم بازار و تجارت جدید از دیدگاه ساکنان شهر بانه، ظهور قشر جدیدی است که تیب اجتماعی خاصی را شکل داده است. پاسخگویان، از این قشر با عنوان‌های مختلف مانند «ثروتمندان یک‌شبه»، «نوکیسه‌ها»، «تازه به دوران رسیده‌ها» و «میلیاردرهای یک‌شبه» یاد می‌کنند. مهم‌ترین دلالت‌های این مفاهیم آن است که این قشر بیش از همه اقتصادی است و تنها سرمایه‌ای که در اختیار دارد و خود را براساس آن تعریف می‌کند، سرمایه اقتصادی است. این سرمایه اقتصادی، البته حاصل تلاش و کوشش مداوم، زماندار و طولانی نیست؛ بلکه ناشی از فعالیت‌های مرزی است و در مدت کوتاهی

به‌دست آمده است. «عبدالله» که سال‌ها رانندهٔ ماشین سنگین بوده و چند سالی است که وارد بازار جدید شده است و مغازهٔ لوازم خانگی دارد، در این زمینه می‌گوید: «آن‌هایی که در قدیم ثروتمند بودند، الان کمتر هستند و بازار بیشتر دست ثروتمندهای جدید است. به‌نظرم ثروتمندانی که بازار را می‌گرداند، ۱۰ تا ۱۵ درصد هستند که اغلب گمنام‌اند و دیده نمی‌شوند. در قدیم هم تجارت وجود داشت، اما خیلی کم بود؛ مثلاً الان فرد با سه سال تلاش کلی ثروت به‌دست می‌آورد؛ درحالی‌که در گذشته باید پانزده تا بیست سال تلاش می‌کرد تا امکانات لازم را به‌دست می‌آورد. به‌نظرم آن ثروتی را که مثلاً معلم در سی سال به‌دست می‌آورد، این‌ها در پنج سال کسب می‌کنند.»

علاوه‌براین، از نظر پاسخگویان، بیشتر این ثروتمندان دارای پایگاه اجتماعی پایین در گذشته، رفتارهای متظاهرانه، تحصیلات کم، ناسازگاری پایگاهی و بی‌تفاوتی اجتماعی هستند و اکنون به الگو و گروه مرجع اصلی جوانان شهر تبدیل شده‌اند. «احمد» در این زمینه می‌گوید: «شاید در میان مردم، الگو و گروه‌های مرجع پراکنده باشند، اما روی هم‌رفته می‌شود گفت بیشتر جوان‌ها تحت تأثیر این افراد موفق هستند که در طول مدت کمی توانسته‌اند به این ثروت و امکانات برسند. قطعاً کسانی که از نظر فرهنگی فعال هستند و نیز روحانیون، هنوز برای عده‌ای الگو و گروه مرجع هستند، اما در واقع تعداد اینها نسبت به افراد گروه اول بسیار اندک است؛ چون الان فعالیت‌های تجاری و پول‌اندوزی مثل بت شده و برای خیلی‌ها تبدیل به چیزی شده است که حتماً باید به‌دست بیاورند؛ بنابراین، اینکه فرد متوجه باشد یا نه، در هر صورت هدفی که این ثروتمندان به‌دنبالش هستند، برای وی هم مهم است.»

در مجموع، به نظر پاسخگویان، این قشر در نتیجهٔ بازار و تجارت مرزی در بانه ظهور کرده است و به‌معنای واقعی معرف این نوع تجارت و بازار جدید است؛ به‌طوری‌که شناخت واقعی بازار، بدون شناخت این قشر امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، بسیاری از تأثیرات بازار و تجارت مرزی به میانجی این قشر خود را نشان می‌دهد.

افزایش فاصلهٔ اقتصادی: از نظر پاسخگویان، ورود بازار و ثروتمند شدن عده‌ای در فاصلهٔ کم سبب شده است که احساس نابرابری و بی‌عدالتی در میان مردم شکل بگیرد؛ به‌طوری‌که پیش‌تر و تا هنگامی که تنها طبقهٔ بالای سنتی وجود داشت، مردم چندان احساس نابرابری و اختلاف با یکدیگر نداشتند و آن ثروت را طبیعی و خدادادی می‌دانستند، اما پس از رواج بازار و تجارت، این احساس به‌وجود آمده و اگرچه همهٔ مردم کم‌وبیش از مرز و تجارت و بازار مرزی منتفع شده‌اند، در عوض آنچه به‌عنوان فقر نسبی شناخته می‌شود، برجسته شده و جای فقر مطلق را گرفته است.

«صدیق» که دیپلمه و ۴۲ ساله است، درباره تأثیر بازار و تجارت بانه بر افزایش فاصله اقتصادی می‌گوید: «واقعیت را بخواهی، در کل ۲۰ تا ۲۵ درصد بانه‌ای‌ها از این بازار و تجارت بهره برده‌اند و بقیه کارگر آن ۲۵ درصد هستند. اگرچه این بازار تقریباً برای همه تا اندازه‌ای سود داشته است، هنوز در بانه فقیر زیاد است. در نتیجه این بازار، اختلاف طبقاتی زیاد شده است؛ چیزی که قبلاً وجود نداشت. قبلاً اگر فقیر و غنی هم اختلاف داشتند، این‌گونه نبود و این‌قدر زیاد نبود، ولی الان وحشتناک شده است.»

از نظر پاسخگویان، افزایش مهاجرت نیز سبب کاهش کالاها و مایحتاج زندگی روزمره شده و فاصله اقتصادی را افزایش داده است؛ به‌ویژه اینکه برخی از این مهاجران کسانی هستند که به‌خاطر تکدی‌گری به بانه می‌آیند و این مسئله، علاوه بر ارائه چهره نامناسب از شهر، افزایش فاصله اقتصادی بین مردم را آشکارتر ساخته است.

کالایی‌شدن فضا: از نظر ساکنان شهر، هجوم مهاجران به بانه، تأثیرات فضایی و کالبدی متعددی به‌همراه داشته است که در مجموع، این تغییرات را می‌توان به‌عنوان زیرمجموعه مقوله کالایی‌شدن فضا صورت‌بندی کرد. کالایی‌شدن فضا به‌معنای تقلیل فضا به کالا و تبدیل آن به شیء برای فروش در بازار است. در واقع، رواج و گسترش بازار و تجارت، منطق بازار را بر هر چیز دیگری گسترش داده و همه چیز را به کالایی برای فروش تبدیل کرده است. کمبود فضا در بانه، به‌دلیل موقعیت جغرافیایی سخت و ناهموار موجب شده است که فضا پیش از همه تابع چنین قانونی شود. این مسئله را می‌توان در مسائلی مانند افزایش قیمت مغازه‌ها، رونق زمین‌های بخش تجاری شهر، دوقطبی‌شدن شهر، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، افزایش قیمت مسکن، افزایش ساخت‌وساز، ایجاد شهرک‌های جدید، افزایش خانه‌باغی‌ها و بیش از همه افزایش حاشیه‌نشینی مشاهده کرد. «علی» در زمینه تأثیرات کالبدی- فضایی بازار و تجارت بر شهر می‌گوید: «افزایش تعداد پاساژها بر کالبد شهر تأثیر داشته... تأثیرات دیگری هم در زمینه اقتصادی مثل بازار، زمین و مسکن گذاشته که تغییر سریعی بوده، به‌ویژه تفاوت قیمت‌ها. زمانی که من اینجا را مطالعه کردم [سال ۱۳۸۶]، تفاوت قیمت‌ها در حاشیه شهر به نسبت مناطق بالا شهر، متری حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان بود. برای شهری مثل بانه خیلی زیاد بود که در آن زمان زمین دو میلیونی داشته باشد. مطمئناً این رشد اقتصادی و کالبدی، از سال ۸۶ به بعد خیلی سریع‌تر شده؛ چون قبل از آن خیلی سریع و شتابان نبود.» کالایی‌شدن فضا، خود از افزایش مهاجرپذیری و کاهش مهاجرفرستی تأثیر پذیرفته و به‌نوبه خود موجب افزایش جمعیت شهری در سال‌های اخیر شده است. از آنجاکه

این افزایش جمعیت، بی‌رویه و شتابان است، مسائل و مشکلاتی را گریبانگیر شهر بانه ساخته که بیش از همه در بعد فضا و کالبدی شهر خود را نشان داده است.

همان‌طور که مشاهده شد، در مجموع از نظر ساکنان شهر بانه، بازار و تجارت مرزی، پیامدهای اقتصادی خاصی به همراه داشته که در جدول ۲ ارائه شده است. برآیند کلی این تغییرات، نوعی اقتصاد وابسته است که به وسیله قشر خاصی هدایت می‌شود، در جهت تضعیف اقتصاد بومی و دولتی عمل می‌کند و جامعه را به یک جامعه خدماتی و مصرفی تبدیل می‌کند.

جدول ۲. خلاصه مفاهیم و مقوله‌های اصلی مربوط به پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی

مقوله‌های اصلی	مفاهیم
خدماتی شدن جامعه	افزایش مشاغل مرتبط با رستوران، پاساژ و بنگاه، وجود زنان شاغل فصلی، دینار و دلارفروشی، دستفروشی، وجود کودکان کار و زنان چترباز، افزایش مشاغل زنانه، مشاغل کم‌منزله و مشاغل مرتبط با تجارت غیررسمی
افزایش مهاجرپذیری	افزایش شاغلان غیربومی و مغازه‌داران غیربانه‌ای، حذف مهاجرت‌های فصلی، وجود مهاجران روستایی، کولبرهای غیربومی، افزایش مهاجران سیال، مهاجرت‌های کاری در گذشته، کاهش جمعیت روستاهای غیرمرزی، وجود دستفروشان و سرمایه‌گذاران غیربومی
هژمونیک شدن پول	اولویت پول، غلبه ذهنیت اقتصادی، رشد روحیه پول‌جویی، رشد ذهنیت پولی، افزایش رقابت اقتصادی
تضعیف شیوه‌های سنتی تولید	ترک کشاورزی، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، کاهش زمین‌های کشاورزی، فروش زمین‌های کشاورزی، رهاکردن دامداری، قاچاق دام، تضعیف باغداری و دامداری، تضعیف صنایع دستی، کشاورزی بازاری، رواج خانه‌باغی، نبود حمایت دولتی، ایجاد خانه‌باغ‌های تفریحی
تضعیف طبقه متوسط	وجود معلمان و کارمندان دوشغله، بی‌میلی به مشاغل دولتی، سرخوردگی معلمان، اولویت مشاغل غیردولتی، ناتوانی فرهنگیان در رقابت، فقیر شدن کارمندان، کاهش مرجعیت معلمان و کارمندان، تضعیف بازار سنتی، تضعیف روحانیون
تجار سرمایه‌دار نوظهور	نداشتن اصالت، پیشینه روستایی، تحصیلات اندک، اقلیت پنهان، ثروتمندان متظاهر، رفتار تظاهری، منزلت ناشی از پول، گروه مرجع جدید، ثروتمندان جوان، احساس ناسازگاری پایگاهی، تمرکز ثروت، ثروت اولیه ناشی از قاچاق، استفاده از کالاهای تجملاتی، منفعت‌گرایی فردی
افزایش فاصله اقتصادی	دسترسی نابرابر به امکانات، ناراضی‌تبی اقتصادی، توزیع نابرابر ثروت، دوقطبی شدن اقتصادی، افزایش احساس فقر، افزایش فاصله طبقاتی، افزایش هزینه‌های زندگی، افزایش فشار اقتصادی، کاهش توان رقابتی
کالایی شدن فضا	تغییر کاربری زمین، سرمایه‌گذاری در املاک، رشد بی‌رویه مغازه‌های مشاور املاک، رشد قیمت زمین و املاک، حاشیه‌نشینی، توافق ملکی - تجاری، شهرک‌های جدید، دوقطبی شدن شهر

بحث و نتیجه گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد براساس تجربه و درک و تفسیر پاسنخگویان، پس از تحولات عراق، بازار و تجارت مرزی در بانه چهره جدیدی به خود گرفته است؛ به طوری که نوعی گسست اتفاق افتاده و می توان تجارت مرزی در این منطقه را به قبل و بعد از رویدادهای عراق تقسیم بندی کرد. از این زمان به بعد است که فضاهای تجاری و مصرفی، به صورت قارچ گونه در بانه رشد و گسترش پیدا می کنند و این بازار به معروف ترین بازار مرزی مناطق کردنشین تبدیل می شود و لقب «شهر پاساژها» را می گیرد. این رویداد، با تیپ بندی بازار پیشامدرن و مدرن بوردیو و با نظرهای پولانی درباره بازار، هماهنگی و سازگاری دارد؛ به طوری که براساس یافته ها می توان گفت تا قبل از تحولات عراق، بازار و تجارت مرزی در شهر بانه، به شکلی اندام وار در جامعه و محیط زیست حک شده بود، اما از آن زمان به بعد، به تدریج بازار و تجارت مرزی از جامعه و محیط زیست، منفک و به سپهر مجزایی از فعالیت ها و قوانین خاص خود تبدیل شد و قوانین اقتصاد و بازار به تدریج بر همه چیز حاکمیت یافت.

در بخش تجربی، نتایج تحقیق حاضر با مطالعات اسماعیل زاده (۱۳۸۵) در زمینه تأثیر بازارچه های مرزی بر مهاجرپذیری، اشتغال مستقیم و غیرمستقیم مرزنشینان و افزایش درآمد آن ها و با مطالعه زرقانی و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه افزایش اشتغال انطباق دارد. همچنین این پژوهش با مطالعه محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه افزایش اشتغال، کاهش فقر، افزایش درآمد و کاهش مهاجرفرستی، با مطالعه امانپور و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه کاهش بیکاری جوانان و با مطالعه رضایی و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه افزایش اشتغال، مهاجرت و درآمد مرزنشینان هماهنگ است. از سوی دیگر، نتایج تحقیق حاضر، با مطالعه رفیعیان و احمدی (۱۳۹۱) در زمینه تناسب نداشتن فعالیت های اقتصادی شهر بانه و توسعه زیرساختی آن و با تحقیق حاجی نژاد و احمدی (۱۳۸۹) در زمینه تأثیر گردشگری تجاری بر افزایش درآمد، اشتغال زمین و قیمت زمین همراستاست و درعین حال به نتایجی مخالف تحقیقات داخلی (اسماعیل زاده، ۱۳۸۵) و زرقانی و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه تأثیر بازارچه های مرزی در زمینه کاهش قاچاق رسیده است. همچنین برخلاف تحقیق زرقانی و همکاران (۱۳۹۱)، تحقیق حاضر مدعی آن نیست که بازار مرزی سبب توسعه زیرساخت ها شده است. درنهایت اینکه برخلاف تحقیق رضایی و همکاران (۱۳۹۱)، مطابق نتایج مطالعه، بازارهای مرزی توسعه اقتصادی شهر بانه را افزایش نداده است.

در زمینه تحقیقات خارجی نیز تحقیق حاضر همسو با مطالعه رانکین (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیده است که بازارهای مرزی موجب نابرابری و الگوهای جدید کالایی شدن به‌ویژه در حوزه فضا شده است. از سوی دیگر، تحقیق حاضر به نتایجی مشابه مطالعه سیکدر و سرکار (۲۰۰۵) در زمینه نقش مهم تجارت غیررسمی در تأمین معیشت فقرا رسید. درنهایت، اینکه در پژوهش حاضر مانند مطالعه والتر (۲۰۰۹) مشخص شد که مرزهای جغرافیایی، از محدودکردن اقتصاد و بازار نتولیرال ناتوان است.

در بخش تحلیلی این تحقیق نیز هشت مقوله اصلی خدماتی شدن جامعه، افزایش مهاجرپذیری، هژمونیک شدن پول، تضعیف شیوه‌های سنتی تولید، تضعیف طبقه متوسط، ظهور قشر جدید تاجر سرمایه‌دار نوظهور، افزایش فاصله اقتصادی و کالایی شدن فضا به‌عنوان مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی از نظر پاسخگویان استخراج شد که با بنیان‌های نظری تحقیق حاضر هماهنگی دارد. تضعیف دولت-ملت، یکی از پیامدهای رواج و گسترش بازار نتولیرال است و این اتفاق در بائه به این صورت رخ داده است که طبقه متوسط جدید، به‌عنوان نماینده اصلی به حاشیه رانده شده است؛ به طوری که از طرف مردم مورد بی‌توجهی و کم‌توجهی واقع شده و دچار سرخوردگی شده است. تضعیف شیوه‌های تولیدی و خدماتی شدن جامعه نیز با نظرهای مایکل سندل همخوانی دارد که معتقد است در چند دهه اخیر، جامعه بازاری به‌عنوان یک شیوه زندگی در همه جنبه‌های زندگی انسان رخنه کرده است. هژمونیک شدن پول نیز به بهترین وجه دیدگاه‌های زیمل را نمایان می‌سازد که معتقد است بازاری شدن با گسترش جریان پولی شدن در ارتباط است و اهمیت پول در جامعه‌های تجاری سرمایه‌دار آنقدر زیاد است که خود به یک هدف تبدیل می‌شود. افزایش فاصله اقتصادی هم که از نظر پاسخگویان به‌صورت افزایش احساس نابرابری و بی‌عدالتی در چند سال اخیر رواج و گسترش یافته است، با نظرهای مایکل سندل همخوانی دارد، آنجا که می‌گوید در چند دهه اخیر و با سرایت ارزش‌های بازاری به حوزه‌های مختلف زندگی، فاصله بین فقیر و غنی افزایش یافته است. ظهور قشر جدید- که در اینجا با عنوان تجار سرمایه‌دار نوظهور نامگذاری شد- به‌وسیله دیدگاه‌های زیمل- که معتقد است بازاری شدن با افزایش قدرت خرید موجب نابسامانی و به‌هم‌ریختگی منزلتی می‌شود و زمینه را برای ظهور تازه به دوران رسیده‌ها فراهم می‌کند- قابل تبیین است. مقوله بعدی کالایی شدن فضا است. این مفهوم با نظرهای پولانی انطباق دارد که معتقد است یکی از مهم‌ترین پیامدهای فک‌شدگی بازار از جامعه، کالایی شدن زمین است. اگرچه هیچ‌یک از نظریه‌پردازان به‌طور صحیح به افزایش مهاجرپذیری

اشاره نداشته‌اند، این مقوله به‌طور ضمنی از طریق ایده گسترش فرایند بازاری‌شدن و گسترش قدرت پول قابل توضیح است که تعلقات افراد به محیط و جامعه را تضعیف کرده و فردگرایی را به‌وجود آورده است و خود زمینه‌ساز مهاجرت شده است.

منابع

- استفورد، جیم (۱۳۹۲)، *اقتصاد به زبان خودمان (مقدمات)*، ترجمه آرش حسینیان، تهران: نشر پژواک.
- اسلیتر، دن و تونکیس، فرن (۱۳۸۶)، *جامعه بازار: بازار و نظریه اجتماعی مدرن*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشرنی.
- اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۸۵)، «مطالعه انسان‌شناختی بازارچه‌های مشترک مرزی با رویکرد انسان-شناسی اقتصادی: مطالعه موردی تجارت مرزی در روستاهای مرزنشین شهرستان سردشت»، *نامه انسان‌شناسی*، شماره ۹: ۳۸-۶۵.
- اسمیت، تونی (۱۳۹۱)، *جهانی‌سازی: چهار الگو و یک رویکرد انتقادی*، ترجمه فروغ اسدپور، تهران: نشر پژواک.
- امانپور، سعید؛ نادری، کاوه؛ ایصافی، ایوب و منصوری میانرود، فریبرز (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل اثرات بازارچه‌های مرزی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی شهرها (مطالعه موردی شهر جوانرود)»، *همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها*، دانشگاه سیستان و بلوچستان: ۲۰۶-۲۱۶.
- بارت، رولان (۱۳۸۰)، «اسطوره در زمان حاضر»، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون، شماره ۱۸: ۸۵-۱۳۷.
- برودل، فرناند (۱۳۸۸)، *پویایی سرمایه‌داری*، ترجمه مهراپاینده، عباس خداقلی و ناصر کفائی، تهران: نشر آمه.
- بلومبرگ، پل (۱۳۹۰)، *جامعه غارتگر: فریب در بازار آمریکایی*، ترجمه مؤسسه خط ممتد اندیشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۱)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشرنی.
- بوراوی، مایکل (۱۳۹۳)، *مارکسیسم جامعه‌شناسانه: همگرایی آنتونیو گرامشی و کارل پولانی*، ترجمه محمد مالجو، تهران: نشرنی.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۷)، *گفتارهایی درباره‌ی ایستادگی در برابر نولیبرالیسم*، ترجمه علیرضا پلاسید، تهران: نشر اختران.

- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱)، نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیپه، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۹)، سنت روشنفکر معترض، در گفت‌گوهایی درباره انسان و فرهنگ، گزیده و ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر فرهنگ جاوید.
- بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۰)، درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، تهران: نشر آگه.
- بهرامی تاش، رکسانا (۱۳۸۹)، چالش با اقتصاد نتولیرالیسم: جنسیت و جهانی‌سازی در آسیای جنوب شرقی، ترجمه غلامحسین فتح‌الله نوری، تهران: انتشارات سمت.
- پولانی، کارل (۱۳۹۱)، دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما، ترجمه محمد مالجو، تهران: نشر پردیس دانش.
- حاجی‌نژاد، علی و احمدی، علی (۱۳۸۹)، «تأثیرات اقتصادی گردشگری تجاری بر مناطق شهری؛ مطالعه موردی شهر بانه»، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۲: ۵-۲۵.
- جونز، اندرو (۱۳۹۰)، نظریه‌پردازان بزرگ جهانی‌شدن، ترجمه مسعود کرباسیان و هامایاک آودیس یانس، تهران: نشر چشمه.
- دوین، پت (۱۳۹۱)، پیشگفتار بر ترجمه فارسی دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما، کارل پولانی، ترجمه محمد مالجو، تهران: نشر پردیس دانش.
- رضایی، حجت؛ باقی‌پور، محمدرضا و کیوانی، سلیمه (۱۳۹۱)، تحلیل و بررسی نقش بازارچه‌های مرزی بر اشتغال و توسعه اقتصادی نواحی مرزی، مطالعه موردی بازارچه مرزی شهرستان بانه، همایش ملی شهرهای مرزی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- رفیعیان، مجتبی و احمدی، فرانک (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر تحولات اقتصادی مناطق مرزی بانه بر تغییرات کالبدی- فضایی شهری: مطالعه موردی شهر بانه»، همایش ملی شهرهای مرزی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، فروردین‌ماه ۱۳۹۱، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- زرقانی، سیدهادی؛ مهدی‌زاد، صباح و اعظمی، هادی (۱۳۹۱)، «تحلیل بازتاب‌های سیاسی- فضایی بازارچه‌های مرزی: نمونه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۱: ۱-۲۱.
- زیمل، گئورگ (۱۳۸۶)، «پول در فرهنگ مدرن»، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون، شماره ۳: ۳۲۵-۳۳۸.
- سالنامه آماری استان کردستان (۱۳۹۳)، دفتر استانداری استان کردستان، قابل‌دسترس در سایت:

- سندل، مایکل (۱۳۹۳)، آنچه با پول نمی‌توان خرید: مرزهای اخلاقی بازار، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- سوئدبرگ، ریچارد (۱۳۹۱)، *منفعت‌طلبی و ساختار اجتماعی: مباحثی در جامعه‌شناسی اقتصادی*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: نشر لوح فکر.
- صفاری، امیر و موسی‌وند، جعفر (۱۳۹۱)، «امکان‌سنجی توسعه در شهر مرزی بانه در چارچوب مدل استراتژیک (SWOT)»، مجموعه‌چکیده مقالات همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت‌ها، چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان: زاهدان.
- صفریپور، فرشاد (۱۳۸۹)، «نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه فضایی شهرها؛ مطالعه موردی بازارچه سیرابند بانه»، دومین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا: ۱-۵.
- فریزی، دیوید (۱۳۸۶)، گئورگ زیمل، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر ققنوس.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- نظام مافی، رضاقلی (۱۳۶۳)، کتاب سبز، تهران: نشر تاریخ ایران.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱)، طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و شیوه ترکیبی، ترجمه حسن دانایی‌فرد و علی صالحی، تهران: مهربان نشر.
- کلاین، ناومی (۱۳۸۹)، دکترین شوک: ظهور سرمایه‌داری فاجعه، ترجمه مهرداد شهابی و میرمحمد نبوی، تهران: نشر آمه.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۱)، کاربرد نظریه‌های کلاسیک در جامعه‌شناسی، آینده‌بنیانگذاران جامعه‌شناسی، گردآوری و ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: نشر قومس.
- لش، اسکات (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز.
- لیندبلوم، چارلز (۱۳۸۸)، نظام بازار، ترجمه محمد مالجو، تهران: نشرنی.
- محمدی یگانه، بهروز؛ مهدی‌زاده، عصمت؛ مهدی‌زاده، عفت و چراغی، مهدی (۱۳۹۱)، «ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی تهران بر توسعه نواحی روستایی؛ مطالعه موردی دهستان محسن‌آباد»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۵: ۷۹-۹۶.
- مردانزاد، جمال؛ پوربرات، حمیدرضا و باقری، وحید (۱۳۹۱)، «بررسی سازوکارها و روند توسعه گردشگری خرید در مناطق مرزی ایران؛ مطالعه موردی شهر مرزی بانه»، اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت‌گردی ایران‌زمین: ۱-۱۴.
- منتظری، محمدعلی (۱۳۹۰)، تحلیل پتانسیل بازارچه‌های مرزی و مبادلات تجاری در توسعه شهری، مطالعه موردی شهرستان بانه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، مشهد.

- مندل، ارنست (۱۳۸۶)، **اقتصاد سیاسی**، ترجمه کمال خالقی‌پناه، تهران: نشر گل‌آذین.
- میک‌سینزوود، آلن (۱۳۸۱)، **خانواده‌های ناراضی: سرمایه‌داری جهانی در دنیایی از دولت-ملت‌ها**، در کتاب سرمایه‌داری در پایان هزاره: یک بررسی جهانی، مک‌سینزوود و همکاران، ترجمه رستم خلیل‌خانی، تهران: نشر دیگر.
- نوری، ساسان و یارویسی، محمد (۱۳۸۹)، «کارکردهای پنهان و آشکار شبکه‌های قاچاق کالا در استان کردستان»، **مجموعه‌مقالات اولین همایش علمی- تخصصی قاچاق کالای استان کردستان؛ علل، پیامد و راهکارها**، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کردستان: ۵۵۹-۵۷۲.
- نیکی‌تین، پیوترایونوویچ (۱۳۸۷)، **مبانی اقتصاد سیاسی**، ترجمه ناصر زرافشان، تهران: نشر آگه.
- وان‌دینبرگ، فردریک (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی جورج زیمل**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- وطن‌دوست، آرمان (۱۳۸۳)، **طرح توسعه گردشگری شهرستان بانه**، فرمانداری بانه.
- هارمن، کریس (۱۳۹۱)، **تاریخ جهان**، ترجمه پرویز بابایی و جمشید نوایی، تهران: انتشارات نگاه.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۱)، **تاریخ مختصر نئولیبرالیسم**، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: نشر دات.
- هال، استوارت (۱۳۸۶)، **پیش‌گفتار فهم جامعه مدرن (جلد پیدایش اقتصاد مدرن)**، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر آگه.

- Alzoubi, F. (2011), **Motherhood and Childbirth Experiences among Newcomer Women in Canada: A Critical Ethnographic Study**, PhD Thesis, University of Western Ontario.
- Batch, M. (2012), **Communication and the Casualization of Nursing: A Critical Ethnography**, PhD Thesis, Queensland University of Technology.
- Bloor, M. and Wood, F. (2006), **Keywords in Qualitative Methods: A Vocabulary of Research Concepts**, London: Sage Publication.
- Carspecken, F. P. (1996), **Critical Ethnography in Educational Research: A Theoretical and Practical Guide**, New York: Routledge.
- Castles, S. et al. (2011), **Karl Polanyi's Great Transformation as Framework for Understanding Neo-Liberal Globalization**, published by the Social Transformation and International Migration in the 21st Century, School of Social and Political Sciences, University of Sydney, Online at: (http://sydney.edu.au/arts/transformation_migration/).
- Chaipinit, C. and May, C. (2010), "Polanyian Perspectives in the Era of Neoliberalism: The Protection of Global Intellectual Property Rights", **Journal of Population and Social Studies**, No 19(1): 99-122.
- Choat, S. (2013), **"Everything for Sale: A critique of Michael Sandel's What Money Can't Buy"**, A paper for presentation at the Canadian Political Science Association Conference, Brock University.

- Coble-Neal, F. (2008), "Post-compulsory Curriculum Reform and Teachers Work: A Critical Policy Ethnography in a Western Australian State Secondary School", PhD Thesis, School of Education, Murdoch University.
- Denzin, N. K. (2001). *Interpretive Interactionism*, Thousand Oaks: Sage Publication.
- Dubal, S. (2010), "The Neoliberalization of Football: Rethinking Neoliberalism through the Commercialization of the Beautiful Game", **International Review for the Sociology of Sport**, No 45: 123-146.
- Dunbar, R. B. (2009), "**Finding Their Way: A Critical Ethnography of Five African American Women Educators' Early Experiences to Develop into Culturally Relevant Pedagogues**", Early Childhood Education Dissertations, paper 7.
- Fourcade, M. and Healy, K. (2007), "Moral Views of Market", **The Annual Review of Sociology**, No. 33: 14.1-14.27, Online at: <http://soc.annualreviews.org>
- Given, L. M. (eds.) (2008), **The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods**, Vol. 1/2, London: Sage Publications.
- Grenfell, M. (2004), **Pierre Bourdieu Agent Provocateur**, London: Continuum.
- Guillory, J. (2000), **Bourdieu's Refusal**, In Pierre Bourdieu: Fieldwork in Culture, Nicholas Brown and Imre, Sezman (eds.), Lanham: Rowman & Littlefield.
- Hardcastle, M., Usher, K. and Holmes, C. (2006), "Carspecken's Five Stage Qualitative Research Method: An Application to Nursing Research", **Qualitative Health Research**, No 16(1): 151-161.
- Jackson, W. A. (2009), **Economics, Culture and Social Theory**, Cheltenham: Edward Elgar Press.
- Johansson, T. (2000), **Social Psychology and Modernity**, Buckingham, Philadelphia: Open University Press
- Johnson, D. P. (2008), **Contemporary Sociological Theory: An Integrated Multi-Level Approach**, New York: Springer.
- Jupp, V. (ed.) (2006), **The Sage Dictionary Social Research Methods**, London: Sage Publication.
- Kawabata, M. (2009), **Social Construction of Health Inequities: A Critical Ethnography on Day Laborers in Japan**, PhD Thesis, Graduate Department of Nursing, University of Toronto.
- Kincheloe, J. L. and McLaren, P. (2000). "Rethinking critical theory and qualitative research", In N. K. Denzin & Y.S. Lincoln (Eds.), **Handbook of Qualitative Research**, pp. 279-313, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Lash, S. (1993), "Pierre Bourdieu: Cultural Economy and Social Change", **Bourdieu: Critical Perspective**, In Craig Calhoun, Edward Lipuma and Moishe Postone (eds.), London: Polity Press.
- Lyons, T. L. (2011), **A Critical Ethnography of the Ottawa Drug Treatment Court: Linking Discourses of Addiction, Addicted Subjects & Treatment Practices**, PhD Thesis, Carleton University.
- Mahon, R. P. (2011), **From the Inside Out: A Critical Ethnographic Look at Pediatric Intensive Care Nursing and the Determinants of Nurse Retention**, PhD Thesis, Department of Health, University of Bath.

- Mcguigan, J. (2006), **Modern and Postmodern Culture**, Berkshire, Open University Press.
- O'Mahony, J. M., Dave, E. and Bouchal, S. R. (2012), "Using Critical Ethnography to Explore Issues among Immigrant and Refugee Women Seeking Help for Postpartum Depression", **Issues in Mental Health Nursing**, No 33: 735-742.
- Penney, W. (2005), "A Critical Ethnographic Study of Older People Participating in their Health Care in Acute Hospital Environments", PhD Thesis, School of Nursing, University of Ballarat.
- Rankin, K. N. (2004), **The Cultural Politics of Markets: Economic Liberalization and Social Change in Nepal**, London: Pluto Press.
- Reed - Danahay, D. (2005), **Locating Bourdieu, Bloomington and Indianapolis**, Indiana: University Press.
- Salleh, H. (2008), **A Critical Ethnography of Teacher Development and Change in a Collaborative Group Setting to Improve Practice**, PhD Thesis, Department of Education, University of Bath.
- Schwandt, T. A. (1997), **Qualitative Inquiry**, Thousand Oaks, Sage Puplication.
- Sikder, M. J. and Sarkar, B. K. (2005), "Livelihoods and Informal Trade at the Bangladesh Border", **Inter-Asia Cultural Studies**, No 6(3): 432-445.
- Tar, U. A. (2009), "Kurdistan: A New Face in the Middle East, Information. Society, Justice", No 2(2): 209-213.
- Wang, L. (2011), **Immigration, Literacy and Mobility: A Critical Ethnographic Study of Well-Educated Chinese Immigrant's Trajectories in Canada**, PhD Thesis, Department of Adult Education and Counseling Psychology Ontario Institute for Studies in Education, University of Toronto.